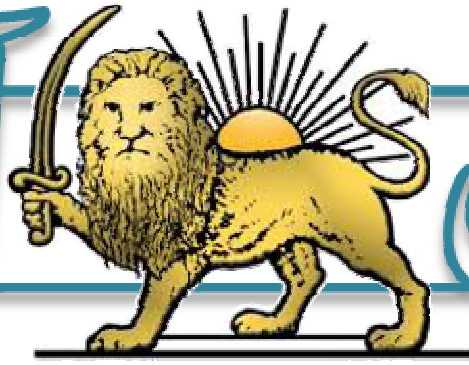


ایران آزاد



ماهنامه جبهه ملی ایران (هلند) سال هفتم شماره ۸۲ مهر ۱۳۹۸



م. سروش:

آمد خبر ز ایران

بوزینه بر منابر، مردان حق به زندان
دانا اسیر جمعی، اوباش و رذل و نادان
استاد فقه غارت، در مکتب چپاول
بر سفره خلائق، ناخوانده گشته مهمان
دین را وسیله کرده، پیوسته می نماید
تفسیر ظلم خود را، با آیه های قرآن
تزویر کن حرامی! با دانه های تسبیح
شرک مجسم است این، معنای تام شیطان
قانون مملکت را، رجاله می نویسد
مامور قتل عام است، قاضی قضات دیوان*
تاراج شد منابع، هم خاک و هم مراتع
شیخ است یا گراز این؟! یارب بلا بگردان

روبه صفت گهی او، مکار و رند و شیاد
گه در لباس میش است، گرگ پلیدِ دران
ناموس ملتی را بازیچه کرده، بردند
از اینهمه کراحت، تاریخ گشته حیران!
نفرین به مکتب شیخ، تبیین ظلم و غارت
معنی فسق و منکر، راوی نفی انسان
القصه! چهره ات شیخ شد آشکار و پیدا
دیگر نمی شود کرد، در زیر ریش پنهان
کشتی شکسته ای تو، دریا نمی شناسی
بختی دگر نداری، اندر مصافِ توفان
ای خلق رنج دیده، با خیزشی دوباره
از بیخ و بن برآور، این ریشه را ز بنیان
روز تقاص آمد، هر کوچه سنگری شد
فرجام ظلم اینک، آمد خبر ز ایران
*دیوان اینجا به معنای محکمه و دادگستری.

فهرست

نویسنده	موضوع	صفحه
فرج سرکوهی	رهبران عزیز! قرص هایتان را به موقع بخورید!	۳
	خامنه‌ای و حرام بودن بمب اتمی!	۵
	نان قوت لایموت مردم تا ۳۰۰ درصد گران شد	۶
	پارلمان کانادا سپاه پاسداران ایران را در لیست گروه‌های «تروریستی» قرار داد	۷
	پاره کردن تصاویر خامنه‌ای و شعار اخراج رژیم ایران توسط تظاهرکنندگان	۸
	ادامه اعتصاب کارگران آذربایجان در محاصره گارد ضدشورش نیروی انتظامی	۱۱
آتنا دائمی	انتشار خبر ۶۶ مورد قصاص و ۲۶ حکم اعدام در ۲۵ روز	۱۲
محمد نظری	نامه افشاگرانه یک زندانی سیاسی کرد پس از ربع قرن حبس	۱۴
جبهه ملی ایران	فشار و خشونت را متوقف، احکام غیر قانونی را لغو و زندانیان سیاسی را آزاد	۱۵
	۱۰۰ هزار نفر بر اثر حمله ترکیه به شمال شرقی سوریه آواره شده‌اند	۱۶
دکتر علی گوشه	کشتار سال شصت و هفت	۱۷
	جای معلم در زندان نیست	۱۹
عباس مودب	باغ آلبالو و لوپاخین‌های وطنی	۲۲
دویچه وله العربی	برای اولین بار در سودان یک زن به عنوان رئیس قوه قضاییه منصوب شد	۲۳
	خبر دروغ خبرگزاری فارس مبنی بر شفا گرفتن جوان مسیحی و مسلمان شدن	۲۴
جورج مونبیو،	انحراف و افتخار	۲۵
دویچه وله فارسی	خروش زیست محیطی جوانان	۲۷
	عفو بین‌الملل: حکومت‌های سرکوبگر با استفاده از یک نرم افزار جاسوسی اسرائیلی فعالان حقوق بشر را هدف قرار داده‌اند	۲۹

رهبران عزیز! قرص‌هایتان را به موقع بخورید!

بادکنک متوهمان، ساقدوشان چلبی، قاتلان دموکرات و مرد و مرکب اخوان



فرج سرکوهی

«صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد
بنیاد مکر با فلک حيله باز کرد
بازی چرخ بشکندش بیضه در کلاه
هرکو(زیرا) که عرض شعبده با اهل راز کرد»
حافظ

سه شنبه، ۹ مهر، ۱۳۹۸
سعید (مشعوف) کلانتری، که یادش
زنده، در زندان زمان شاه، با همان
لهجه غلیظ تهرانی خود، به کسانی
که در مسائل سیاسی دچار توهم
می‌شدند می‌گفت «بابا جان!
قرص‌هایت را به موقع بخور»
بادکنک هوا کردن شماری آدم متوهم
که خواب‌نما شده و ایران را در حال
گذار از جمهوری اسلامی به نظام
بعدی و خود را، بدون پایگاه جدی در
جامعه، به «مدیران» و رهبران گذار و
به گفته خودشان به «آلترناتیو» یا
«جایگزین» منصوب کرده و قرار است
برای تاسیس «بازار مشترک
خاورمیانه‌ای، مرکب از
ترکیه، اعراب، اسرائیل و
ایران»، «هیات‌هایی را برای مذاکره به
کشورهای همسایه ایران اعزام کنند»

جوکی است که ارزش جدی
گرفتن ندارد. بار اول هم نیست.
برخی از همین‌ها پیش از این
چندین بار بادکنک‌هایی چون
رفراندوم و ... هوا کردند، چند روزی
در رسانه‌های فارسی زبان خارج
از کشور مطرح شدند و بعد رفتند
تا بودجه بادکنک بعدی را از جایی
بگیرند و..
در زمان طرح رفراندوم برخی از
همین خانم‌ها و آقایان در مقاله‌ای
با عنوان «تجاوز به همه‌پرسی،
ساکنان طبقه پائین و هندوانه
دربسته» برخی بحث‌های جدی
را در باره
این گونه
بادکنک‌ها
مطرح کردم
و این جا
مکرر نمی
کنم.

خدا خودش رحم کند!

کسانی که خود را، بدون پایگاه جدی
در جامعه، به آلترناتیو یا جایگزین،
مدیریت و رهبری گذار جامعه از
نظامی به نظامی دیگر منصوب
کرده‌اند از دموکراسی و انتخابی بودن
رهبری چه تصویری دارند؟ سی و چند
آدم، که از هم اکنون و بدون پایگاهی
در جامعه، خود را به «مدیریت دوران
گذار» جامعه‌ای ۸۰ میلیونی و به
«آلترناتیو» یا «جایگزین» منصوب کرده
اند، اگر قدرت داشتند، چه می‌کردند؟
پاسخ روشن است و نیازی به بحث
بیش‌تر نیست. خدا خودش رحم کند!
توهم رهبری و رهنموددهی بدون نفوذ
و پایگاه موثر اجتماعی، یکی گرفتن
حضور رسانه‌ای و مجازی و رابطه با
این و آن دولت آمریکائی و اروپائی با
حضور و برد و نفوذ واقعی در جامعه اما

محدود به این گروه نیست و در دیگر
تشکل‌های سیاسی مدعی رهبری و
رهنموددهی ایرانیان خارج از کشور، از
جمهوری خواهی و سلطنت و
مشروطه طلبی تا چپ و کارگری و
ملی - مذهبی و چه و چه نیز رایج
است. این توهم بیمارگونه گاهی به
احساس کاذب هویت سیاسی
داشتن و نیاز روانی به موثر بودن
برمی‌گردد. گاهی به مناسبات
قبیله‌ای بازمانده از گذشته و
دوران‌های سپری شده، گاهی به
درآمد از بودجه‌های آن‌چنانی و کسب
و کار، گاهی به جایگزین کردن آرزو به
جای واقعیت و.. و گاه به بیماری
توهم و به گفته سعید عزیز ما به
نخوردن به موقع قرص‌ها.

آن چه به مشام مبارک خورده

است بوی کباب نیست، خر

داغ می‌کنند!

توهم رهبری و رهنموددهی

بدون نفوذ و پایگاه موثر

اجتماعی، یکی گرفتن حضور

رسانه‌ای و مجازی و رابطه با

این و آن دولت آمریکائی و

اروپائی با حضور و برد و نفوذ

واقعی در جامعه محدود به این

گروه نیست

ساقدوشان «چلبی» مفروض

برخی که خود را زرنگ می‌پندارند، به امید آن‌که نقش ساقدوشان «چلبی» مفروضی را ایفا کنند که ارتش امریکا با سلام و صلوات به ایران صادر خواهد کرد، ایفای نقش هائی از این دست کمیک را بر عهده گرفته‌اند. اینان سر پیری به کاهدان زده‌اند. آن‌چه به مشام مبارک خورده است بوی کیاب نیست، خر داغ می‌کنند! ایران، عراق سال‌های پایانی صدام نیست، ترامپ هم بوش نیست، زمانه هم آن زمانه نیست و... زرنگ‌ترین‌ها البته سر در آغل بودجه‌های اعطائی دارند.

گریز از آزمون

از شاخصه‌های آدم‌های مبتلا به توهم یکی هم فرار از واقعیت و گریز از آزمون خیال‌های خویش است. به مثل مدعیان رهبری و مدیریت گذار می‌توانند با فراخوانی برای یک عمل مشخص و متمایز حد نفوذ خود را در لایه‌های جامعه بیازمایند. اما چنین نمی‌کنند چون در ناخودآگاه خود می‌دانند که هیچ کس به فراخوان آنان واقعی نمی‌نهد و توهم رهبری در آفتاب حقیقت ذوب می‌شود.

می‌گویند مردم باید با به شیوه‌های مسالمت‌آمیز حکومت را به عقب نشینی وادار و جامعه ایرانی را از استبداد به دموکراسی «گذر بدهند»، ما «آلترناتیو» هستیم، «مدیریت» را بر عهده داریم، «صدای مردم» هستیم و...

و از خود نمی‌پرسند چه کسی مدیریت را به آنان واگذار کرده و چه کسی از آنان خواسته است که آلترناتیو و صدای مردم باشند؟ مردمی که خود در مبارزه با استبداد حکومت را سرنگون یا به عقب نشینی وادار کنند چرا باید رهبری و مدیریت را به این اقایان و خانم‌ها واگذار کنند؟ چهره‌هائی که بر بستر مبارزات مردمی برخوانند خاست چه کم دارند که اینان باید مدیر و رهبر آن‌ها باشند؟ در اینان چه ویژگی‌هائی هست که در آن‌ها نیست؟ بر چه سابقه نظری و سیاسی و اجتماعی و بر بستر کدام پایگاه واقعی در جامعه خود را به مدیریت و رهبری منصوب کرده‌اند؟

در همان مقاله «تجاوز به همه‌پرسی، ساکنان طبقه پائین و هندوانه در بسته» نوشتم «تروتسکی زمانی نوشت لایه‌های پائین جامعه در زمان‌های بورژوائی در طبقه پائین ساختمان زندگی می‌کنند اما درام اصلی در طبقه بالای ساختمان رخ می‌دهد. باغبان‌ها، خدمتکاران، آشپزها، کلفت‌ها، نوکرها و... فقط برای خدمت به قهرمانان زمان به

طبقه بالا می‌روند و پس از ارائه خدمات به سرعت صحنه را ترک می‌کنند (نقل به مضمون از یادداشت‌های روزانه تروتسکی) و این همان نقشی است که این رهبران خودخوانده! متوهم برای مردم در نظر دارند اما زمانه این گونه برخورد‌ها نیز به سر رسیده است.

تبصره: وقتی قاتلان رهبر گذار به دموکراسی می‌شوند

در بین مدیران خودخوانده گذار افرادی با سابقه سیاسی شناخته شده نیز وجود دارند. به مثل آقای محسن سازگارا از طراحان و مجریان کشتار ۶۰، همان کشتاری که در آن نوجوانان را در نخستین ساعت‌های بازداشت، بدون محاکمه و برخی را حتا بدون دانستن نام آن‌ها، اعدام و بعد با چاپ عکس‌های اعدام شدگان در روزنامه‌ها از والدین آن‌ها خواستند که برای شناسائی اعدام شدگان به قصاب‌خانه‌های امنیتی رژیم مراجعه کنند. بر اساس اسناد منتشر شده، از جمله خاطرات رفسنجانی، آقای بهزاد نبوی معاون وقت نخست وزیر و آقای محسن سازگارا، معاون وقت او، از عوامل اصلی طراحی و اجرای سرکوب و کشتار ۶۰ بودند. امضای آقای سازگارا در سند جلسه هماهنگی مقابله با «احزاب و گروه‌های ضد انقلاب» که در نشریه کار اقلیت شماره ۱۳ خرداد ۶۰ منتشر شد، نیز هست. سندی که حاوی برنامه اجرایی سرکوب و کشتار است. آقای محسن سازگارا مدعی است که این سند جعلی است اما هرگز به این سوال پاسخ نداده است که چرا او و رئیس او، آقای بهزاد نبوی، برنامه درج شده در آن سند را مو به مو اجرا کردند.

البته هرکسی می‌تواند تغییر کند و تغییر حق آدم‌ها است اما وقتی کسی که حتا از نقش خود در کشتار ۶۰ عذر نخواست، با ادعای رهبری جامعه به دموکراسی به میدان می‌آید چه باید گفت؟ مسئولیت سیاسی جنایت‌های یک حکومت بر عهده دولتمردان، طراحان و آمران و عاملان جنایت است. رسم است که جنایتکاران سیاسی پس از تحول و پشیمانی همه واقعیت‌ها را، دستکم در باره نقش خود، افشاء و از کرده خود عذرخواهی می‌کنند. اینان در جامعه پذیرفته می‌شوند اما رهبری گذار به دموکراسی را به آنان محول نمی‌کنند. می‌توان هم از سران یا عوامل و یا از مبلغان سرکوب و شکنجه و اعدام در نظام استبدادی بود و هم از رهبران گذار به دموکراسی و حذف همان نظام؟ خانم‌ها و آقایانی که در کنار کسانی

چون آقای محسن سازگارا ایستاده‌اند و مدعی اجرای اعلامیه حقوق بشر هستند، از حقوق بشر و جنایت علیه حقوق بشر چه برداشتی دارند؟ پیش از این در متن‌هائی نوشته‌ام که عادی کردن جنایتکار، عادی کردن جنایت است و هموار کردن راه بر تکرار جنایت.

مرد و مرکب اخوان

نمی‌دانم شعر بلند «مرد و مرکب» اخوان را خوانده‌اید یا نه. شعر با همان طنز زیبای اخوان حکایت پهلوان پنبه‌ای را روایت می‌کند که اسیر خیال‌های خام خویش و در توهم خود «گرد گردان گرد» و «مرد مردان مرد است» و روزی یا شبی:

«تقیه زار، آن پاره انبان مزیحش را فراز آورد

پاره انبانی که پنداری

هر چه در آن بوده بود افتاده بود و باز می‌افتاد

فخ و فوخ و تق و توقی کرد

در خیالش گفت: دیگر مرد

پای تا سر غرق شد در آهن و پولاد

....

تکه تکه تخته مومی را به هم پیوست

در خیالش گفت: دیگر مرد

رخش رویین بر نشست و رفت سوی عرصیه ی ناورد

گفت راوی: سوی خندستان»

....

بادکنک‌هائی از این دست برای برخی درآمدزا است، چند روزی خوراک رسانه‌های فارسی زبان خارج از کشور است، برخی بحث‌های بی فایده، چون همین نوشته را، دامن می‌زند و... اما جنبش مردم ایران برای دموکراسی، عدالت اجتماعی، علیه همه تبعیض‌ها و استبداد و ستم و.. ادامه دارد، جنبشی که بی اعتنا به این گونه بادکنک‌ها راه خود می‌رود. به گفته نصرت رحمانی

«باران که بیاید»

از دست چترها

کاری بر نمی‌آید

ما اتفاقی هستیم

که افتاده ایم»

.....

خامنه‌ای و حرام بودن بمب اتمی!

مهر ۱۹، ۱۳۹۸

خامنه‌ای و حرام بودن بمب اتمی! خامنه‌ای ولی فقیه پوشالی فاشیسم‌دینی روز چهارشنبه ۱۷ مهر ۹۸ دیدار برنامه‌ریزی شده‌ای با جمعی از دانشجویان داشت که در این دیدار می‌خواست پیام مشخصی را به دولت آمریکا برساند. او پیام اصلی خود را با کلی‌گویی‌های پراکنده و بی‌سروته دیگر ساندویچ کرد، تا پیام اصلیش را به ترامپ برساند و بگوید ساخت بمب اتمی از دید ما حرام است و میتوانیم در این زمینه با هم مذاکره کنیم. تاکید خامنه‌ای بر روی این مسئله، از دوجنبه قابل تامل است: اول اینکه معنی حرام در قاموس رژیم و آخوندهای حاکم بر آن چیست؟ دوم اینکه چرا خامنه‌ای برای چندمین بار روی این نکته تاکید میکند که از دید او ساخت بمب‌اتمی حرام است؟ در مورد معنی حرام، با توجه به عمل‌کردهای ضداسلامی و ضدانسانی این حکومت فاشیستی، امروزه همه دنیا بروشنی می‌بینند که این کلمات، مهملاتی بیش نیست که از دهان این متولیان مذهبی بی‌رون می‌آید. چون بخوبی میدانند که ربا در اسلام حرام است اما تمام بانکداری این رژیم بر ربا بنا شده‌است. تجاوز به دیگران و قتل‌نفس حرام است، اما تنها دولت تروریستی جهان همین آخوندها هستند که بی‌رحمانه انسانها را در کشورهای دنیا می‌کشند. دزدی و غارت و تهمت و شکنجه و تجاوز به مردم حرام است، اما این حکومت تنها با این جنایات است که سرپا مانده. برایان هوک نماینده ویژه وزارت خارجه آمریکا در امور ایران هم که عملکردهای خلاف قانون این حاکمان ضد ایرانی به خشم آمده، ویدیویی منتشر کرد که در آن به بندهای مختلف قانون اساسی جمهوری ملایان پرداخت و تفاوت‌هایش را با آنچه که رژیم فاشیستی اجرا میکند بررسی کرد. یعنی معنی حرام که خامنه‌ای برای استفاده از بمب اتمی بکار میبرد، برایشان کاملاً روشن است که یعنی، اگر بدستمان برسد خیلی بیشتر از آن استفاده میکنیم. در بحث توافق هسته‌ای و خارج‌شدن

آمریکا از برجام، دیکتاتوری آخوندی تصور آن را نداشت که در این زمینه به خاک سیاه نشانده شود و اقتصادش به لبه پرتگاه فروپاشی برسد. با بیرون کشیدن ترامپ از توافقنامه برجام، کارگزاران رژیم ابتدا با هیاهوی زیاد و ژستهای میان‌تهی اعلام کردند ما بدون آمریکا، برجام را با اروپایی‌ها ادامه خواهیم داد. سپس بدنبال تصویب FATF و راهکار اینستکس افتادند. اما چنین تلاشهایی به جایی نرسید و خامنه‌ای نهایتاً به این نتیجه رسید که راه نجاتش کنار آمدن با آمریکاست. امانوئل ماکرون رئیس جمهور فرانسه نیز بعد از همه تلاش‌هایش گفته است که «ایران و آمریکا باید خودشان مسائلشان را حل کنند و کاری از دست ما ساخته نیست.» علیرغم اینکه خامنه‌ای برای حفظ تعادل‌درونی رژیمش همواره گفته است با مذاکره مخالف می‌باشد، اما در پشت پرده به‌جد بدنبال پیدا کردن راهی است تا بتواند رژیم خود را از تنگنای مرگباری که قرار گرفته بیرون بکشد و همه این تلاش‌های وحشت‌زده اش، صرفاً برای مهار نارضایتی‌های مترکم در جامعه است که برایش همچون بمب ساعتی عمل میکند و با هر شعار و حرکت اعتراضی مردمی، تیکتاک آنرا می‌ششاند. در چنین فلاکت و وضعیت وخامت باری است که خامنه‌ای با واسطه قرار دادن سلطان قابوس، شینزو آبه، نخست‌وزیر ژاپن، رئیس جمهور سوئیس، نخست وزیر عراق، نخست وزیر پاکستان، و یک دوجین دیگر از لابیهای پشت‌پرده، کارش به جایی نرسیده. البته تا کنون خامنه‌ای در راستای سیاست وقت‌سوزانی خود، از این رفت و آمدها استقبال هم میکرد. زیرا پیش خود تصور

میکرد، اگر از این دیدارها، نتیجه‌ای حاصل نشود، برایش این خاصیت را خواهد داشت تا جلوی اقدامات تحریمی بیشتر آمریکا را بگیرد و بازی را به زمان انتخابات آمریکا بکشد. اما در عالم سیاست هر کس منافع خود را جستجو میکند و نهایتاً رئیس جمهور فرانسه، ماکرون از طرف اروپاییها پا پیش گذاشت تا با طرحی جدید و دادن ۱۵ میلیون یورو، معامله را جوش بدهد. اوج این فعالیتها در حاشیه اجلاس مجمع عمومی ملل متحد بود که با پنهانکاری‌های زیاد تماس‌های بین مقامات رژیم و آمریکا صورت گرفت. زمان زیاد طول نکشید تا معلوم شود روحانی مستقیماً با مقامات آمریکایی، بجز ترامپ، تماس داشته و حتی با طرح ۴ ماده‌ای فرانسه هم موافق بوده است. ترامپ بروشنی به روحانی رئیس جمهور ارتجاع فهماند که او و وزیرخارجه‌اش ظریف، در این زمینه کارهای نیستند. اگر قرار است در کتاب برجام ورقی بخورد، خود خامنه‌ای باید به صحنه بیاید و پای التزامات حرف‌هایش هم بماند. به همین دلیل است که خامنه‌ای دوباره به صحنه آمده و عنوان میکند که از نظر او، داشتن بمب اتمی حرام است. یعنی پالس قوی به ترامپ میدهد که بیا و برسر پروژه هسته‌ای مذاکراتمان را پیش ببریم و ما هم قول خواهیم داد که دست از پا خطا نکنیم. ظاهراً خامنه‌ای در گفتگوهای مستقم و غیرمستقیمی که تا کنون در زمینه هسته‌ای، با طرف‌های درگیر مسئله داشته، به این باور رسیده که میتواند سوژه پروژه اتمی را از دیگر بندهای ۱۲ ماده‌ای پمپو جدا کند و با امتیاز دادن در این زمینه، هم از تحریم‌ها بکاهد و هم پروژه موشکی و دخالت‌هایش در منطقه را دور بزند.



حسین موسویان، رییس هیات رهبری و شورای مرکزی جبهه ملی ایران:

ما شورای گذار را رد می کنیم

«فدرالیزه کردن اسم رمزی است برای تجزیه

ایران زمین»

<https://www.youtube.com/watch?v=JFA8QsYd094>

دکتر حسین موسویان، رییس شورای مرکزی جبهه ملی ایران در گفتوگو با ایران اینترنشنال:
«شوراهایی که در پی فدرالیزه کردن ایران هستند ضداستقلال ملی کشور هستند»

نان قوت لایموت مردم تا

۳۰۰ درصد گران شد

تعیین شده بود، ظرف ۹ سال از توان خرید ۱۲ عدد نان با این یارانه به یک سوم و به ۴ عدد نان رسیده است در حالی که ریالی به یارانه اضافه نشده است. همچنین طی ۶ ماه گذشته ریالی به حقوق مردم هم اضافه نشده اما قیمت نان بین ۳۰ درصد تا ۳۰۰ درصد افزایش یافته است. به این ترتیب رژیم آخوندی با گران کردن نان یکبار دیگر پنجه در سفره های مردم ایران انداخت و بهای سیاست های ویرانگر خود را نه از جیب گشاد خامنهای و سپاه ضد مردمی اش بلکه از سفره های مردم می پردازد.

نان سنگ دو رو کنجد آزادپز به سه هزار تومان رسید
قیمت نان بربری ساده دولتی پز هزار تومان شد در حالی که قیمت رسمی آن ۷۰۰ تومان بود. در همین حال نان بربری آزاد پز به ۱۵۰۰ تومان و نان بربری با کنجد دو هزار تومان قیمت گذاری شده است. همچنین قیمت نان لواش دولتی پز از ۲۱۰ تومان به ۳۰۰ تومان افزایش رسیده.
نگاهی به نمودار تغییرات قیمت نان به خوبی نشان میدهد که چگونه قدرت خرید یارانه ای نان که در سال ۸۹ برابر با پنج هزار تومان برای هر خانواده

جمعه ۱۲ مهر ۱۳۹۸
رسانه های حکومتی اعتراف کردند گرانی قیمت نان که رژیم آخوندی آن را در ابتدای هفته جاری اعلام کرد یک شوک به معیشت مردم وارد کرده است.

شنبه این هفته رژیم آخوندی قیمت نان را بین ۳۰ تا ۳۰۰ درصد گران کرد. قیمت رسمی نان سنگ دولتی به ۱۲۰۰ تومان و نان بربری ساده دولتی پز به ۱۰۰۰ تومان افزایش یافت. نان، قوت لایموت مردم تا ۳۰۰ درصد گران شد. به رغم ادعاهای رژیم آخوندی مبنی بر گران نکردن نان در سال ۹۸، سرانجام ارگان حکومتی اتاق اصناف تهران گرانی نان را اعلام کرد. بر اساس این گزارش نان سنگک ساده یارانه ای از ۸۰۰ تومان به ۱۲۰۰ تومان نان سنگک ساده آزادپز به ۱۸۰۰ تومان و نان سنگ آزاد پز یک رو کنجدی به ۲۵۰۰ تومان



پارلمان کانادا

سیاه

پاسداران

ایران را در

لیست

گروه‌های

«تروریستی»

قرار داد



مصادره کرد، منابع کانادایی، از فروش ده‌ها میلیون دلار از اموال مصادره شده ایران در این کشور توسط دولت «آتاوا» و پرداخت آن به عنوان غرامت به قربانیان «تروریسم» در سراسر جهان خبر دادند.

پس از آن، ابراهیم رئیسی رئیس قوه قضاییه ایران، ۱۶ سپتامبر از اقدام «مقابله به مثل» کشورش به دلیل مصادره اموال جمهوری اسلامی توسط کانادا خبر داد و اعلام کرد که با همکاری وزارت امور خارجه و بخش بین الملل قوه قضائیه، کار مشترکی برای شناسایی اموال کانادا انجام می‌شود و پس از آن، ایران اقدام به توقیف و مصادره این کالاها خواهد کرد.

قبل از این آمریکا نیز در آوریل ۲۰۱۹ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را در فهرست گروه‌های «تروریستی» قرار داده بود.

رهبر حزب محافظه‌کار کانادا تعهد سپرد، اگر در انتخابات ۲۱ اکتبر پیروز شود سیاه پاسداران ایران را به‌عنوان یک سازمان «تروریستی» اعلام می‌کند.

اندریو شیر به خبرنگاران گفت: «ما رژیم ایران را که همواره حقوق بشر را نقض می‌کند و شهروندان کانادایی را به قتل رسانده و از تروریسم حمایت و پشتیبانی می‌کند، پیمان‌های اتمی را نقض کرده، هدف قرار می‌دهیم.» وی افزود: «این تصمیم در راستای اعمال فشار بر ایران است. ما ایران را هدف قرار می‌دهیم که به طور مرتب حقوق بشر را زیر پا می‌گذارند، به همین دلیل برای فشار بر ایران سپاه ایران را به عنوان یک سازمان تروریستی اعلام می‌کنیم.» قابل ذکر است که کانادا ماه گذشته (سپتامبر ۲۰۱۹) ده‌ها میلیون دلار اموال دولت رژیم ایران در کانادا را

۱۰ مهر ۱۳۹۸

منبع: دبی، العربیه نت فارسی
پارلمان کانادا سه‌شنبه یکم اکتبر پس از یک رای‌گیری تازه، اعلام کرد که نام سیاه پاسداران ایران را در لیست گروه‌های «تروریستی» قرار داده و از دولت این کشور خواست تا همه مذاکرات با جمهوری اسلامی ایران را متوقف کند.

این طرح توسط گارنت جینیوس، نماینده محافظه‌کار پیشنهاد شده بود و دولت لیبرال کانادا در این رای‌گیری همراه با این حزب بود.

این در حالی است که «اندریو شیر» رهبر حزب محافظه‌کار کانادا مدعی شده بود، در صورت پیروزی در انتخاب ۲۱ اکتبر، سیاه پاسداران ایران را به عنوان گروه «تروریستی» معرفی می‌کند.

پاره کردن تصاویر خامنه ای و شعار اخراج رژیم ایران توسط تظاهرکنندگان عراقی

به نام «حاج حامد» در بغداد یک اتاق عملیات برای ترور فعالان و رهبران این جنبش تشکیل داده و گروهی از تکتیر اندازان به سرپرستی این مزدور عملیات قتل تظاهر کنندگان و معترضان مسالمت آمیز را طراحی و

تظاهرات در ناصریه را «بسیار بزرگ» توصیف کردند.

تلویزیون الحرة گزارش داد: تظاهرکنندگان عراقی در کربلا بنر تصاویر خامنه ای همراه با رئیس

خشم مردم بپاخاسته عراق به ویژه جوانان شورشی علیه رژیم آخوندی و مزدوران آن در عراق با به آتش کشیدن دفاتر و مراکز آنان هر روز بیشتر شعله می کشد. خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد: مقامهای عراقی و یک عضو کمیسیون



هدایت می کنند. فائق الشیخ علی نماینده دیگر پارلمان عراق گفت: رژیم ایران ما را به قتل می رساند ... دیگر این یک راز نیست. امام جمعه تهران صریحاً گفت: تظاهر کنندگان معترض عراقی مأموران آمریکایی هستند آنها را به قتل برسانید.

سپاه بدر را پاره کردند و همزمان شعار اخراج رژیم ایران را سر دادند.

احمد الجبوری، نماینده پارلمان عراق گفت، قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران مسئول قتل تظاهر کنندگان عراقی است. سلیمانی به کمک یکی از مزدورانش

نیمه رسمی حقوق بشر عراق میگویند هزاران تظاهرکننده در دو شهر جنوبی به خیابانها ریخته و دفاتر حزب الدعوه و بدر را به آتش کشیدند. این دو مقام گفتند نیروهای امنیتی با گشودن آتش به روی تظاهرکنندگان واکنش نشان دادند. این مقامها



وقتی منع رفت و آمد اعلام شده از سوی حکومت شکسته میشود نشانگر اینستکه توان مقابله با آن را ندارند. بنابراین با

کشته شدن بیش از ۱۰۰ تن و مجروح شدن بیش از ۴۰۰ تن، پلاسچارت مقام ارشد سازمان ملل متحد در عراق گفت: پنج روز است گزارش کشته و زخمی شدن منتشر می شود، این خشونت ها می بایست متوقف شود. این مقام سازمان ملل متحد افزود: عوامل این خشونت ها می بایست پاسخگو و مجازات شوند. روز جمعه فاش شد سرکوب و کشتار تظاهرکنندگان توسط پاسدار قاسم سلیمانی و اتاق عملیاتی که در بغداد تشکیل داده است صورت می گیرد. کریستین ساینس مانیتور درباره قیام



فاکس نیوز طی گزارشی از قیام مردم عراق گفت: نیروهای امنیتی عراق در بغداد بروی صدها تظاهرات کننده ضد دولتی آتش گشودند. صدای صغیر گلوله ها در بغداد در حالی که نیروهای امنیتی به روی تظاهرات کنندگان ضد حکومتی آتش گشودند شنیده میشود. تظاهرات در حالی است که شهروندان نسبت به اقتصاد ورشکسته کشور و دولت فاسد شکایت دارند. یک تظاهرات کننده خطاب به دولت عراق می گوید: ما عراقی هستیم ما خواستار حق و حقوق خود هستیم ما شغل می خواهیم شما برای ما چه کرده اید؟! شما ما را به فقر بردید. دولت مورد حمایت رژیم ایران در بغداد در تلاش برای خاموش کردن جنش جدید، اعلام حکومت نظامی کرده و خدمات اینترنتی را قطع کرده است. فاکس نیوز با اشاره به صدها کشته قیام مردم عراق می گوید. در حالی که کشته شدها دفن میشوند مردم بیشتر برانگیخته می شوند. عراق مانند بسیاری دیگر از کشورهای خاورمیانه مردم خشمگینی را می بیند که بطور گسترده ای خواستار تغییر میکنند. احمد شریف پژوهشگر سیاسی و استراتژیک از کربلا به تلویزیون اسکای نیوز گفت: هرچه تلاش میکنند تظاهرات مردم را ساکت کنند و یا آنرا نادیده گرفته و دور بزنند بجایی نمی رسند، بطوریکه عراق در شرف ورود به یک قیام غیر قابل کنترل میباشد وعملا حتی دستگاههای امنیتی و نظامی نیز توانستند ماموریت خود را انجام داده و کاری از پیش ببرند. زیرا

این وضعیت حاکمیت بایستی کنار برود چون نیاز به یک تغییر ریشه ای هست... این پژوهشگر در ادامه مصاحبه با اسکای نیوز، اضافه کرد: رژیم ایران از سیاسیون طرفدار خودش حمایت میکند همانها که بیشترین فساد را ایجاد کرده اند و بدترین رفتارها را در اداره کشور دارند. بنظر من رژیم ایران با حمایت از فاسدین یک خطای استراتژیک کرده ودر نتیجه فضای حیاتی و موقعیت خودش در میان شیعیان را نیز به طور جدی از دست داده است... وی هم چنین به اسکای نیوز گفت: من امروز در سطح شهر کربلا حرکت کرده و فضای عمومی مردم را می دیدم که بسیار خشمگین اند. مردم میگویند اینها فقط با حمایت رژیم ایران چنین کارهایی را انجام میدهند و رژیم ایران مسؤل باقی ماندن این حکومت در قدرت است و باعث شده خون عراقیان بر زمین ریخته شود. آنها میگفتند که اگر از همان ابتدا مواضع ملی و تصمیمات سیاسی بدست خود عراقیان بود اینطور نمیشد.

مردم عراق نوشت: از اول اکتبر عراق شاهد تظاهراتهای گسترده روزانه در شماری از شهرها بوده که خواسته اصلی آنها، «حاکمیت پاک» یا پایان دادن به فساد در میان حاکمانی است که ثروت عظیم نفتی کشور را تخلیه میکنند و درگیر منازعات حزبی هستند. در حال حاضر شورش از پایین جامعه بالا گرفته و آنها دنبال رهبران صادقی هستند که منعکس کننده ارزشهای یک حاکمیت پاک باشند. جوانان عراقی فساد را بعنوان تهدیدی بزرگ می بینند و با استفاده از شبکه های اجتماعی دهها هزار نفر به خیابانها آمدند و با هشتگ عربی که به معنی "من برای حقوقم اعتراض میکنم" می باشد، تظاهرات میکنند.

یکی از زنان معترض گفت "احزاب حاکم همه آرزوهای ما را از ما سرفت کردند."

به دنبال ۵ روز قیام مردم عراق و

اعتراضات در عراق از بغداد به نجف و کربلا سرایت کرد

۱۰ مهر ۱۳۹۸

دامنه اعتراضات معیشتی در عراق گسترش یافت و از بغداد به نجف و کربلا سرایت کرد. مهم‌ترین خواسته معترضان که اغلب از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی‌اند، ایجاد اشتغال است. شورای امنیت ملی عراق تشکیل جلسه اضطراری داد. در دومین روز اعتراضات در درگیری با مأموران امنیتی دست‌کم ۱۱۵ نفر مجروح و سه نفر کشته شدند. سفارت آمریکا در عراق خواهان مدارای دولت عبدالمهدی با معترضان شد.

چهارشنبه ۱۰ مهر: اعتراضات در بصره
صبح چهارشنبه ۱۰ مهر/ ۲ اکتبر حدود معترضان مجدداً به خیابان‌ها آمدند. آن‌ها در شمال بغداد در محله الشعب، بزرگراهی را که مرکز بغداد را به شمال شهر مرتبط می‌کند مسدود کردند. به گزارش خبرگزاری رویترز مأموران امنیتی با معترضان درگیر شدند. در این درگیری‌ها دست‌کم یک نفر کشته و هشت نفر مجروح شدند. به زودی دامنه اعتراضات به شهرهای دیگر عراق هم رسید. به گزارش خبرگزاری رویترز، در شهرهای نصیریه، نجف، کربلا، بصره، تکریت، الدیوانیه، الکوئ و الحله نیز هزاران نفر به خیابان‌ها ریختند. جهت شعارها هم به تدریج از مطالبات صنفی و معیشتی تغییر کرد و به خواست

برکناری عادل عبدالمهدی از نخست‌وزیری عراق تبدیل شد. در همه این شهرها مأموران امنیتی با معترضان درگیر شدند. وزارت کشور عراق اعلام کرد که در بغداد یک کودک در حمله معترضان با کتک‌مولوتوف به یک خودرو کشته شد.

با بالا گرفتن اعتراضات و گسترش دامنه آن‌ها از بغداد به سایر شهرهای عراق، شورای امنیت ملی عراق به درخواست نخست‌وزیر تشکیل جلسه اضطراری داد. پس از پایان این جلسه اعلام شد که برگزاری تجمعات، تظاهرات آزاد است، اما شورای امنیت ملی اقدامات تخریبی را محکوم می‌کند و اقدامات لازم برای حفاظت از شهروندان و املاک عمومی را انجام می‌دهد. شورای امنیت ملی عراق از رسانه‌ها نیز خواست که بر اساس

منافع ملی عمل کنند.

بزرگ‌ترین اعتراضات در زمان دولت عبدالمهدی از روز گذشته در بغداد آغاز شد. حدود سه هزار نفر از معترضان قصد داشتند خود را به منطقه سبز بغداد برسانند که نیروهای امنیتی به طرف معترضان شلیک کردند. در این درگیری‌ها دست‌کم دو نفر کشته و ۲۰۰ نفر مجروح شدند.

بخش عمده‌ای از معترضان را فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تشکیل می‌دهند که موفق نشده‌اند در بازار کار به فراخور تحصیلاتشان کار پیدا کنند. عبدالمهدی روز گذشته در

«از دولت عراق می‌خواهیم در برخورد با معترضان مدارا پیشه کند و جان و امنیت معترضان را که برای دستیابی به حقوق قانونی خود به خیابان‌ها می‌آیند و از اعمال خشونت خودداری می‌کنند به خطر نیندازد و همچنین از جان سایر شهروندان و از اموال آن‌ها حفاظت کند.»

عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر عراق پس از رویدادهای خونین روز گذشته در بغداد در بیانیه‌ای که بامداد چهارشنبه منتشر شد، به شهروندان عراقی اطمینان داد که در نظر دولت او بین تظاهرات‌کنندگانی که در چارچوب حقوق قانونی خودشان در حال



اعتراض هستند و نیروهای امنیتی عراق که به وظایف خود برای حفظ امنیت تظاهرات‌کنندگان و تأمین امنیت و ثبات کشور فعالیت می‌کنند، تفاوتی وجود ندارد.

سخنانی وعده داد که برای ایجاد اشتغال تلاش بیشتری می‌کند و بلافاصله با صدور بخشنامه‌ای از وزارت نفت و از سایر وزارتخانه‌ها خواست که در انعقاد قرارداد با شرکت‌های نفتی خارجی سهمیه پنجاه درصدی برای نیروی کار داخلی تعیین کنند.

سفارت آمریکا در بغداد غروب چهارشنبه با انتشار بیانیه‌ای از دولت عبدالمهدی خواسته است که با معترضان مدارا پیشه کند. سازمان ملل متحد چند ساعت قبل از آن، با انتشار بیانیه‌ای نگرانی خود را از بالا گرفتن خشونت‌ها در بغداد و سرکوب معترضان اعلام کرد و از دولت عراق خواست آرامش را به کشور بازگرداند. چنین هنجیس پلاسچارت، نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در عراق در این بیانیه نوشت:

ادامه اعتصاب کارگران آذرآب

اراک در محاصره گارد

ضدشورش نیروی انتظامی



مهر ۱۷، ۱۳۹۸
ادامه اعتصاب کارگران آذرآب در محاصره گارد ضدشورش نیروی انتظامی
ادامه اعتصاب کارگران کارخانه آذرآب اراک از ساعت حدود ۹ صبح روز چهارشنبه ۱۷ مهر ۹۸ برگزار شد. کارگران اعتصاب خود را با راهپیمایی در محوطه تولید در داخل کارخانه آغاز کردند.

کارگران امروز برای چهارمین روز متوالی در محوطه داخلی شرکت اقدام به راهپیمایی کردند. این در حالی است که گارد ضدشورش رژیم و ماموران سرکوبگر نیروی انتظامی دور تا دور کارخانه را محاصره کرده بودند تا از ورود کارگران به خیابان و تجمعات خیابانی‌شان جلوگیری کنند.

بادآوری اینکه: سه شنبه ۱۶ مهرماه نیز کارگران کارخانه آذرآب اراک برای سومین بار در هفته جاری در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معوقه‌شان و تعیین تکلیف نشدن سهامدار، دست به تجمع در مقابل شرکت زده بودند. کارگران قصد راهپیمایی به سمت

دومین روز متوالی به اعتصاب خود ادامه داده و دست از کار کشیده بودند.

به گفته کارگران، با وجود تعهدات مسئولان مبنی بر لغو سهام بانک کشاورزی در شرکت آذرآب، این سهامدار از عرضه سهام خود در بورس منصرف شده و وضعیت سهامداری شرکت همچنان بلا تکلیف است.

مرکز شهر را داشتند که مأموران سرکوبگر نیروی انتظامی از حرکت کارگران به سمت میدان صنعت و داخل شهر جلوگیری کردند.

بر اساس گزارش سایت العربیه و به نقل از خبرگزاری حکومتی ایلنا، در روز دوشنبه ۷ اکتبر ۲۰۱۹، کارگران شرکت آذرآب اراک در اعتراض به «نبود امنیت شغلی، کاهش ظرفیت تولید و عدم تعیین تکلیف وضعیت سهامداری و هیئت مدیره این واحد تولیدی» برای



گزارش تحقیقی از داخل زندان؛ انتشار خبر ۶۶ مورد قصاص و ۲۶ حکم اعدام در ۲۵ روز



آتنا دائمی:

۱۷

مهر ۱۳۹۸

آتنا دائمی نتایج این پژوهش را در قالب یک نامه سرگشاده خطاب به مردم ایران نوشته است. نامه‌ای شبیه یک گزارش تحقیقی که با اعداد و ارقام نشان می‌دهد که یک حکومت فاسد بر بدنه جامعه چگونه اثر می‌گذارد.

«آتنا دائمی» فعال مدنی زندانی با مطالعه بیست‌وپنج شماره یک روزنامه به بررسی نقش حکومت در میزان خشونت در جامعه و اثرات حکومت دیکتاتوری روی مردم پرداخته است. روزنامه مورد مطالعه او روزنامه «شرق» است که آن را روزنامه‌ای به ظاهر مستقل توصیف کرده است. این فعال حقوق کودکان این تحقیق را به مناسبت روز جهانی مبارزه با اعدام انجام داده است. ۱۸ مهر مصادف با دهم اکتبر روز جهانی مبارزه با مجازات اعدام است. یکی از اتهامات آتنا توزیع شب‌نامه در محکومیت اعدام است.

آتنا دائمی نتایج این پژوهش را در قالب یک نامه سرگشاده خطاب به مردم ایران نوشته است. نامه‌ای شبیه یک گزارش تحقیقی که با اعداد و ارقام نشان می‌دهد که یک حکومت فاسد بر بدنه جامعه چگونه اثر می‌گذارد.

او در مقدمه این گزارش نوشته: «نتایج حاصله برای خودم بسیار جالب و تاسف برانگیز بود، چراکه من تنها برای ۲۵ روز یک روزنامه را مورد بررسی قرار دادم. «او توضیح داده بخشی از شماره‌های این روزنامه که مورد بررسی قرار گرفته‌اند، مربوط به ماه محرم بوده‌اند، ماهی که به گفته خود مسوولان میزان جرم و جنایت کمتر است و اعدام و قصاص در این ایام غیرمجاز است. با این حال تاکید کرده این پازل کوچک گویای سیاست‌های کلان است.

آتنا دائمی در ابتدا به میزان مانور بر خبرهای قضایی و خبرهای مربوط به

قوه قضاییه پرداخته است و نوشته است در ۲۵ روزی که اخبار روزنامه شرق را مورد بررسی قرار داده «۱۴۴ خبر مربوط به اظهارات مقامات قوه قضاییه، برخوردهای قضایی صورت گرفته و برخوردهایی که در آینده صورت خواهد گرفت» منتشر شده است. او توضیح داده که این اخبار تنها در صفحه حوادث این روزنامه منتشر نشده است؛ «غیر از صفحه حوادث، برای مثال در یک از شش خبر صفحه جامعه، پنج خبر مربوط به قوه قضاییه بوده است. «دائمی نتیجه گرفته حجم خبرهای منتشر شده درباره برخوردهای قضایی نشان‌دهنده «فضای به شدت امنیتی و قضایی» در سطح جامعه است.

او در همین بخش نوشته: «با وجود اینکه در این روزنامه، خبرهای مربوط به قوه قضاییه بخش زیادی از ستون‌ها را اشغال کرده است، شاهدیم که کماکان عدالتی در قضاوت وجود ندارد و دادگاه تجدیدنظر نیز از لیست ظاهری فرصت دفاع متهم حذف شد و حق وکیل نیز بیشتر و علنی‌تر از قبل انکار شد. «اشاره او به نامه «ابراهیم رئیسی» به آیت‌الله خامنه‌ای «و کسب اجازه برای حذف دادگاه‌های تجدیدنظر است. رهبر جمهوری اسلامی، مرداد امسال موافقت خود را با مجازات متهمان بدون امکان تجدیدنظرخواهی موافقت کرد.

دومین مساله‌ای که در این تحقیق اجمالی از سوی آتنا دائمی مورد توجه قرار گرفته است، حجم زیاد خبرهایی مرتبط با الفاظ تحقیرآمیز و تهدیدآمیز و خطونشان کشیدن از سوی مسوولین عالی‌رتبه خطاب به کشورهای خارجی و حتی برخی جریانات داخلی وابسته به جمهوری اسلامی بوده است: «در ۲۵ روز به ۱۰۲ مورد (از این نوع خبرها) برخوردیم که نکته جالب توجه برایم این بود که چه میزان خودپسندی، خودخواهی، خودحق پنداری، منیت و قلدرمابی در سران و

مسوولین غالب است. «او معتقد است این موضوع خود به تنهایی گویای فضای سرکوب و خفقان و نقض حقوق در ایران است: «مشکلات و فشارهایی که بر زندگی مردم سنگینی می‌کند توسط حکومت سانسور و تحریف می‌شود و مدام سعی دارند حال مردم را خوب جلوه دهند، ایران تبدیل به زندانی امن شده است. امن از آن جهت که به راحتی و بدون دغدغه و مزاحم می‌توانند مردم را سرکوب و شکنجه کنند!»

او در بخش دیگر این گزارش به عدم وجود تربیون برای بیان خواسته‌های مردم اشاره کرده است: «در این یک روزنامه هر چند روز یکبار در گوشه‌ای از یکی از صفحات دو مورد از تماس‌های مردمی نوشته می‌شود. با این وجود مردم چاره‌ای جز رو آوردن به تربیون‌های فعال خارج از کشور و فضای مجازی ندارند که این فضاها نیز به لطف تأثیرات عمیق فرهنگ غلطی که جمهوری اسلامی خواهان آن بوده و هست، در میان مخالفان جمهوری اسلامی تبدیل به فضایی پر از جنجال، مبتذل سیاسی پر از توهین و اتهام‌زنی، دعوای شخصی و حذف و تردهای دسته‌ای شده است آیا این فضا در کنار سرکوب شدید حکومت منجر به بی‌اعتمادی مردم نخواهد شد؟!»

او در ادامه این گزارش چند سوال مطرح کرده است: «اما نتایج این شیوه حکمرانی امنیتی و خودحق پنداری در سطح جامعه چیست؟! چقدر این فضای خودخواهی، انتقام‌گیری، تهدید و ارباب و فساد سران و حکومت قوه قضاییه در سطح جامعه تأثیر داشته و چه فجایعی را منجر شده است؟!»

سپس با اشاره به اعداد و ارقام به دست آمده از این تحقیق به سوالات مطرح شده پاسخ داده است.

در بررسی‌های او در بیست‌وپنج شماره روزنامه به ۴۴۹ مورد سرقت توسط افراد سابقه‌دار برخورده است:

«بسیاری از جرایم توسط افراد بی‌سابقه صورت گرفته اما ۴۴۹ سرقت توسط افراد سابقه‌دار نشان از بی‌تاثیر بودن و نتیجه عکس دادن این همه فضای سرکوب و خفقان است. نشان از سرپیچی از قوانین ناعادلانه و یک‌سویه و خودنوشته جمهوری اسلامی و نشان از فشار حداکثری بر مردم از سوی حاکمان بی‌کفایت!»

او نوشته فضای تهدید و انتقام‌گیری و فضای امنیتی توسط سران حکومت بسیار شدید و رو به فزونی است و مردم تحت تاثیر این فضا قرار گرفته‌اند: «می‌بینیم چگونه بر سر یک جای پارک یا سروصدا همسایه و یا مشغولی بیش‌ازحد با موبایل و غیره، قتل‌هایی را مرتکب می‌شوند و همچنان چرخه انتقام

ادامه می‌یابد تا مرتکبین این جرایم قصاص و اعدام می‌شوند، این در حالی است که مردم می‌بایست به عاملین اصلی این همه خشم و عصبانیت حق طناب دار را نیز بپردازند!»

او در بخش دیگری از این گزارش به خبرهای مربوط به اعدام و قصاص که در این بازه زمانی در روزنامه منتشر شده‌اند پرداخته و آن را مربوط به فضای داغ انتقام‌گیری دانسته است: «پیرو فضای داغ انتقام‌گیری حکومتی، در این ۲۵ روز هم به ۳۹ مورد انتقام‌گیری در سطح جامعه که اکثرا منجر به قتل شده است برخوردیم و متعاقبا با ۶۶ مورد قصاص و ۲۶ مورد حکم اعدام فقط در

خصوص جرایم عمومی مواجه شدم. این در حالی است که آمار اعدام‌های مخفی اقلیت‌های قومی و مذهبی در هیچ رسانه‌ای به صورت رسمی اعلام نمی‌شود که همین امر موجب خشم بیشتر در اقلیت‌های مذهبی و قومی خواهد شد که به اشکال گوناگون بروز پیدا خواهد کرد.»

او پس از ارایه این آمار چند سوال دیگر مطرح کرده است. سوالاتی با جواب‌های روشن اما تفکر برانگیز: «سوال اینجاست که فقط مطالعه این حجم از کلمه قصاص و اعدام در روزنامه‌های کشور رسانه‌ها چه تاثیری در جامعه خواهد داشت؟ آیا بازدارنده ارتکاب جرم است یا موجب افزایش حس انتقام‌گیری‌های

خودسرانه و قصاص‌های شخصی خواهد شد؟! آن‌هم در شرایطی که مسوولین خود قوانین خود نوشته‌شان را نقض و مردم را دین زده و اخلاقیات را به کلی نابود کردند چه انتظاراتی از مردم می‌توانند داشته باشند؟! چرا باید در روزنامه یک حکومت اسلامی با این حجم از ادعا و سرکوب ظاهرا به نام دین تنها در ۲۵ روز فقط ۹ بار کلمه گذشت و بخشش به چشم بخورد؟! آتنا دائمی در ادامه به تاثیر کارهای مخرب مسوولان حکومت در جامعه اشاره می‌کند: «قطعا مابین حکومتی که با ابزار سرکوبی که در اختیار دارد، هر نوع نظر، عقیده و باور متفاوت از خود را سرکوب می‌کند و مسوولی که به دلیل منافع شخصی و شاید حزبی قتلی مرتکب می‌شود درنهایت به



بهانه مذهب متفاوت مقتول و یا روابط او، خود را محق بر این قتل می‌داند و سریع تبدیل به قهرمان می‌شود، ارتباط عمیقی وجود دارد، چراکه چه راهی آسان‌تر از این‌که برای ترویج فرهنگ غلط نابودی افرادی با عقاید متفاوت آن‌هم به‌ظاهر طبق آیین شرع؟! قطعاً مابین گروهان‌گیری‌های علنی جمهوری اسلامی از طریق بازداشت دوتابعیتی‌ها با اتهامات واهی برای دریافت امتیازاتی از کشورهای دیگر و افزایش آمار گروهان‌گیری در سطح جامعه ارتباط عمیقی وجود دارد.

قطعاً مابین حکومتی که خود قصاص را مجاز دانسته و امثال مرا که با این احکام مخالفت کرده به بهانه توهین

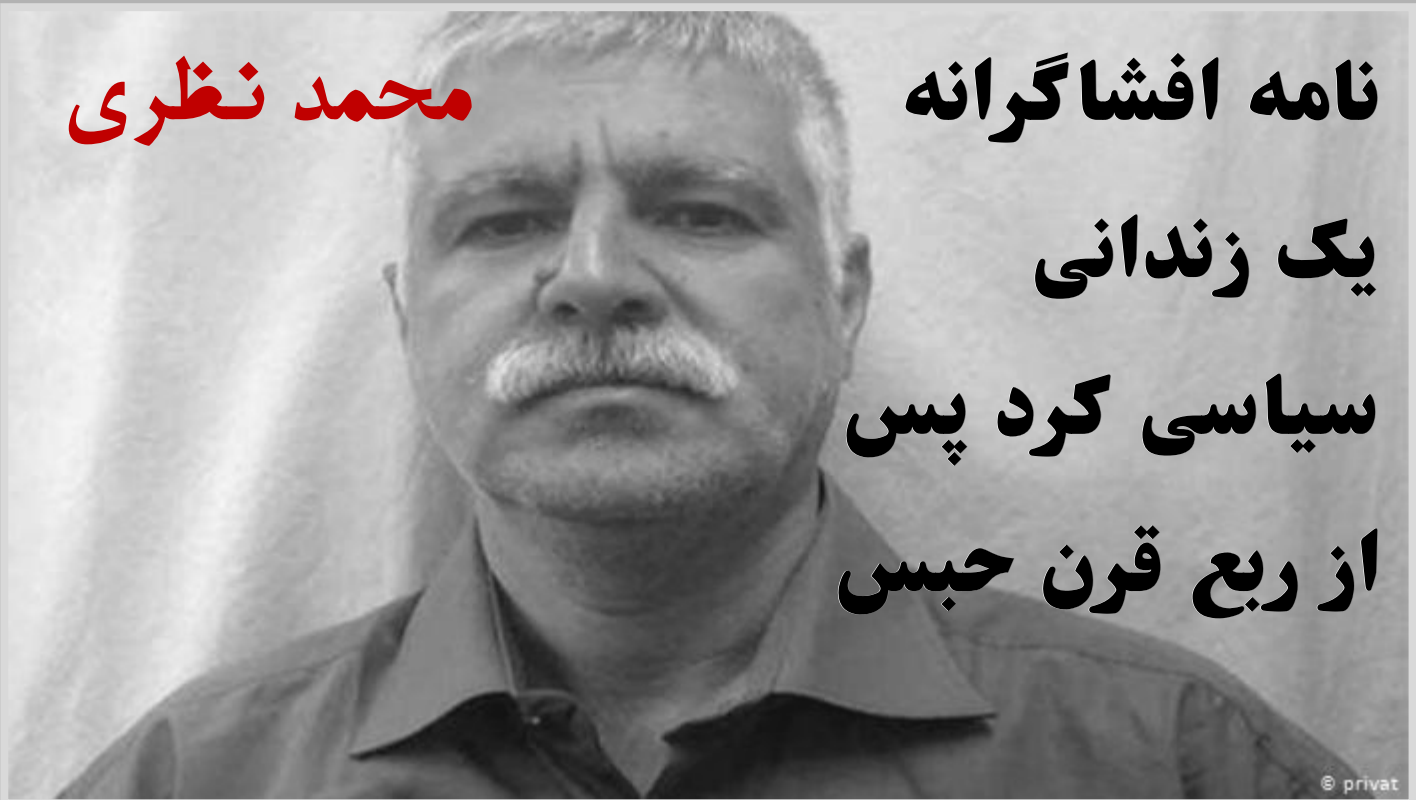
به مقدسات و برهم زدن امنیت کشور مورد بازخواست قرار داده و افزایش آمار قصاص‌های خیابانی و قبیله‌ای و خانوادگی ارتباط عمیقی وجود دارد.»

او سوالاتی برای رویارویی با تاثیرات فساد حکومت و مسوولان بر جامعه مطرح کرده است و راه چاره را جویا شده است: «حال چاره چیست؟ و چگونه باید این حجم از تناقض و عوامل خشونت را شناسایی و با آن مبارزه کنیم؟ چگونه باید از بازتولید این حجم از خشم جلوگیری کنیم؟! چگونه باید عصبانیت خود را به مسیر درست هدایت کنیم؟ چگونه باید از انحطاطی که خواهان آن هستند اجتناب کنیم؟! مردم به‌حق عصبانی و خشمگین‌اند که دلیل آن‌ها نیز تنها حکومت و اعمال آن است چه به‌واسطه فشارهای اقتصادی و چه نابودی فرهنگ و انسانیت؟

چگونه می‌شود به‌جای روی هم خالی کردن این خشم درونی شده و به‌جای بازتولید آن، از آن به‌عنوان قدرت جمعی استفاده کنیم؟! قدرتی برای هم‌صدایی و همراهی، آگاهی و پررنگ کردن مطالبات و درنهایت ریشه‌کن کردن هر نوع خشونت؟! او در پایان از دغدغه‌های خودش حرف زده است. دغدغه فعال مدنی و فعال حقوق کودکان که به جرم باورها و دغدغه‌هایش در زندان روزگار می‌گذراند: «این‌جانب دغدغه حقوق انسان‌ها را دارم و نگران سرنوشت مردم عزیز هستم، وابسته به هیچ جریان

سیاسی نیستم و تنها به دلیل مخالفت با اعدام و قصاص و خشونت و پافشاری بر حقوق انسان‌ها در زندانم و هر زمان که از شرایط کنونی دچار ناامیدی می‌شوم با خود می‌اندیشم که شاید این بخشی از درد زایمانی است که در انتظار آنیم اما کاش برای تسکین این درد به سراغ هر دارویی نرویم که بعدها در سوگ تولدی ناسالم بنشینیم.» جمله پایانی او چکیده همه حرف‌هایی است که او در این گزارش با عدد و رقم آن را بیان کرده است: «قدرت و آگاهی مردم از هر دارویی شفاف‌بخش‌تر است.»

یک زندانی سیاسی کرد پس از ربع قرن حبس



© privat

۵ مهر ۱۳۹۸

یک زندانی سیاسی زندان ارومیه می‌گوید نهادهای امنیتی اعضای خانواده‌اش را به خاطر پیگیری پرونده تحت فشار قرار داده‌اند. محمد نظری که از ۲۵ سال پیش در زندان است گفته شرط آزادی او انجام مصاحبه اعلام شده است.

محمد نظری مرداد ۱۳۷۳ به اتهام همکاری با حزب دموکرات کردستان ایران در شهر بوکان بازداشت و در دادگاه ابتدا به اعدام و سپس با یک درجه تخفیف به حبس ابد محکوم شد.

این زندانی سیاسی در نامه سرگشاده‌ای که متن آن سوم مهرماه در وبسایت شبکه حقوق بشر کردستان منتشر شد نوشته که در ۲۵ سال گذشته حتی یک روز هم به مرخصی نرفته است.

او می‌گوید از آنجا که نامه‌های قبلی‌اش به وزارت اطلاعات و دیگر نهادهای مسئول بدون پاسخ مانده‌اند قصد کرده نامه اخیر خود را به صورت سرگشاده منتشر کند "تا همگان بدانند در این مدت علاوه بر خودم چه اتفاقاتی برای خانواده‌ام افتاده است".

نظری در بخشی از نامه خود نوشت: «خانواده‌ام در تمام این سال‌ها به جد پیگیر پرونده‌ام بوده‌اند. مادرم در سال ۹۰ که جهت پیگیری عفو و تخفیف مجازاتم به تمام ارگان‌ها، سازمان‌ها و حتی بیت رهبری مراجعه کرده بود، تنها یک جواب دریافت کرد و آن اینکه: هیچ گاه پیگیر پرونده‌ی پسرتم نباش و برو دعا کن که اعدام نشد! مادرم در

نهایت تحت فشار و اذیت و آزارهای وارده از سوی بعضی نهادها سخته و فوت کرد.»

عفو در مهاباد، مخالفت در زندان رجایی شهر

به گفته این زندانی سیاسی، دادستان کل کشور در سال ۹۱ دستور بررسی مجدد پرونده‌اش را صادر کرد و گرچه دادگاه مهاباد با عفو و آزادی‌اش موافقت کرده بود، کمیسئون عفو و بخشودگی تهران با دخالت نماینده وزارت اطلاعات در زندان رجایی‌شهر کرج با این کار مخالفت کرد.

او می‌گوید: «برادرم که در سال ۹۵ پیگیر آزادی من شده بود از سوی بعضی از نهادهای امنیتی تهدید شده و در نهایت جنازه‌اش در حالی که به ظاهر سخته کرده بود در یکی از جاده‌ها پیدا شد.»

محمد نظری حدود هفت سال پیش دست به اعتصاب غذا زد و خواستار رسیدگی مجدد به پرونده خود و آزادی از زندان شد. او همان زمان در مصاحبه‌ای با یکی از هم‌بندانیش که متن آن به بیرون درز کرد گفته بود که اعتراف‌های او تحت شکنجه گرفته شده و دادگاهی که او را به اعدام محکوم کرد ۲۰ دقیقه بیشتر طول نکشیده است.

نظری در نامه سرگشاده‌اش نوشته است: «بارها درخواست وکیل کردم. شماری از وکلا با وجود قبول وکالت در مراحل اولیه به دلایل نامعلومی انصراف دادند. هر چند در سال ۹۶ آقای محمد حسین آقاسی بدون هیچ گونه چشم‌داشتی وکالت مرا قبول کردند و امید زیادی به آزادی‌ام داشتند

اما با تمام تلاش‌هایی که انجام دادند نتوانستند کاری از پیش ببرند.» اعتصاب غذای ۹۰ روزه

او ۱۸ تیرماه در نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه از اعتصاب غذای نود روزه خود خبر داده و نوشته که بر اثر این اعتصاب دچار بیماری شده اما مسئولان زندان از فراهم کردن امکان مداوای او خودداری کرده‌اند.

محمد حسین آقاسی، وکیل دادگستری در یک پیام توئیتری نسبت به وضعیت سلامتی نظری ابراز نگرانی کرده است.

در بخش پایانی نامه محمد نظری آمده است: «در سال ۹۶ نماینده اطلاعات شرط آزادی مرا مصاحبه اعلام کردند که با مخالفت اینجانب مواجه شد. آنها در جواب گفتند در این صورت نمی‌توانند برای آزادی من کاری انجام دهند. هرچند امروز ماموران اطلاعاتی به ناعادلانه بودن حکم من اذعان دارند اما اینکه چرا همچنان با آزادی من مخالفت می‌کنند سوالی است که تنها شخص مدیر کل اطلاعات استان آذربایجان غربی می‌تواند به آن پاسخ بدهد.»

یکی از اتهام‌های این زندانی سیاسی دست داشتن در طرح ترور چهار مامور اطلاعاتی بود که نظری می‌گوید نه آنها را می‌شناخته و نه از این طرح اطلاع داشته است.

نامه محمد نظری از زندان ارومیه؛ آیا رواست پس از ۲۵ سال اینگونه خانواده‌ام را تحت فشار قرار بدهند؟

فشار و خشونت را متوقف، احکام غیر قانونی را لغو و زندانیان سیاسی را آزاد کنید

حکومت جمهوری اسلامی در مدت چهار دهه، با سیاست‌های نادرست خود در امور داخلی و در روابط بین‌المللی، کشور ما را نه تنها در موقعیتی اسفبار، بلکه در آستانه بروز یک فاجعه به لحاظ موجودیتی قرار داده است. وطن ما از لحاظ موقعیت جغرافیایی و راهبردی در جایگاهی است که در سایه سیاست بی‌طرفی نسبت به بلوک‌های جهانی و عدم وابستگی به قدرت‌های خارجی و عدم مداخله در مناقشات منطقه‌ای و جهانی و با داشتن روابط دوستانه همراه با احترام متقابل با کلیه کشورهای دنیا می‌تواند موقعیت ممتاز بین‌المللی کسب نموده و در این راستا از منافع ملی خود حفاظت و صیانت بنماید. ما می‌توانیم با امکانات و منابع مادی و دارایی‌های معنوی خود به عنوان سرزمینی کهن و یکی از تمدن‌های اثرگذار در تمدن جامعه بشری، به پیشرفت، توسعه و اعتلای سرزمین خود دست یابیم. اما متأسفانه اشتباهات فاحش هیأت حاکمه جمهوری اسلامی در سیاست خارجی و دشمن تراشی‌های بیهوده تا حدی پیشرفته است که کشور ما در منطقه و جهان در انزوای کامل قرار گرفته تا آنجا که رئیس دیپلماسی جمهوری اسلامی برای شرکت در جلسات سازمان ملل متحد، فقط مجاز به تردد در محدوده‌ای معین در شهر نیویورک و در منطقه‌ای نزدیک به ساختمان سازمان ملل است. و تحریم‌های ناشی از این سوء سیاست‌ها به جایی رسیده که یک کشتی حامل نفت ایران مدت‌ها در توقیف و با سرگردانی در دریا به سر می‌برد. اشتباهات اقتصادی کلان و عدم توجه به تولید داخلی طی سال‌های پس از انقلاب و باز کردن دروازه‌های کشور به روی کالاهای غیر ضروری خارجی به ویژه اجناس بی‌کیفیت چین به علت سودجویی نامشروع افرادی نزدیک به دایره قدرت و یا به دلیل باج دهی اقتصادی به چین، تولیدات داخلی را به شدت تضعیف نموده و بر زمین زده است. و کارخانه‌ها و کارگاه‌های کوچک و بزرگ کشور را در معرض تعطیلی و ورشکستگی قرار داده است. حیف و

میل اموال عمومی به نام خصوصی‌سازی به این ویرانی اقتصادی صدچندان دامن زده است که نتیجه این خطاکاری‌ها، پرداخت نشدن حقوق کارگران و گسترش بیکاری و به دنبال آن فقر و درماندگی قشرهای وسیعی از مردم بوده است. فساد گسترده‌ی افراد وابسته به مراکز قدرت، که هر روز در گوشه‌ای از کشور با ارقام نجومی و باور نکردنی، از پرده بیرون می‌افتد، توان و رمق اقتصادی را از جامعه سلب کرده و اختلاف طبقاتی غیرقابل‌تصور را به وجود آورده است. خطای بزرگ هیأت حاکمه در سیاست داخلی، دور شدن از اهداف انقلاب از نخستین روزهای پس از پیروزی و زیر پا گذاشتن آزادی‌ها و موازین حقوق بشر بوده که همچنان ادامه دارد.

امروز در ایران دیگر تنها فرار مغزها مطرح نیست، بلکه فرار آحاد گوناگون ملت و حضور هزاران ایرانی پناه‌جو در اردوگاه‌های پناه‌جویان در چهارگوشه‌ی جهان، موجب تأسف و حیرت همگان است. بسیار تأسف‌برانگیز است که در چنین اوضاع و احوال نابسامانی، حکومت به‌جای کنار گذاشتن سیاست‌های نادرست و بازگشت به سوی اهداف و آرمان‌های مورد انتظار ملت ایران از انقلاب، همچنان بر طیل بر خورده‌های خشونت‌آمیز با اقشار مختلف ملت، سیاست سرکوب و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم می‌کوبد. برخوردهای خشونت‌بار با جامعه فرهیخته معلمان، جامعه کارگران شریف و زحمت‌کش، وکلای غیرتمند و با وجدان دادگستری، بانوان حق‌طلب، دانشجویان، حافظان محیط زیست، مدافعان حقوق بشر و کنشگران سیاسی، در ماه‌های اخیر به شدت فزونی یافته و تعداد بی‌شماری از افراد ملت مورد بازداشت قرار گرفته و روانه زندان‌ها گردیده‌اند. و در محاکمات دور از ضوابط قانونی، احکام سنگین و زندان‌های طولانی مدت و شگفت‌انگیز و باور نکردنی برای فرزندان این ملت تدارک دیده‌اند. حکم سال‌ها زندان برای یک وکیل دادگستری متعهد و با وجدان به جرم دفاع از زندانیان سیاسی، با کدام معیار حقوقی و قضایی تطبیق

دارد؟ حکم ۲۶ سال زندان برای دختر جوانی که از پوشاندن موی خود امتناع کرده، چه اندازه با شأن و حیثیت ملت ما در افکار عمومی جهانیان همخوانی دارد؟ سال‌ها زندان برای کارگری که به عدم دریافت ماه‌ها دستمزد خود معترض بوده و یا معلم فرهیخته‌ای که به تبعیضات آموزشی در سیستم آموزشی کشور و ناکافی بودن حقوق خود اعتراض دارد، چه وجهی می‌تواند داشته باشد؟ حکم شش ماه زندان برای دختر جوان علاقه‌مند به تماشای فوتبال به جرم حضور در ورزشگاه، که موجب خودسوزی و مرگ او گردیده چگونه قابل توجیه است؟ مرگ این دختر جوان نه تنها افکار عمومی ملت ایران که احساسات مردم جهان را نیز جریحه دار کرده است.

جنبه ملی ایران برخوردهای خشونت‌آمیز نسبت به فرزندان حق‌طلب ملت ایران و صدور احکام به شدت ناعادلانه و غیر منصفانه در مورد آنان را محکوم می‌کند.

جنبه ملی ایران خواهان متوقف شدن فشار و خشونت نسبت به اقشار مختلف مردم ایران و لغو احکام غیر قانونی صادر شده در مورد معترضان سیاسی بوده و بر خواسته آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در سراسر کشور تأکید می‌نماید.

سازمان ملل می‌گوید ۱۰۰ هزار نفر بر اثر حمله ترکیه به شمال شرقی سوریه آواره شده‌اند

۲۰
مهر ۱۳۹۸

سازمان ملل متحد در بیانیه‌ای اعلام کرد که در پی عملیات نظامی ترکیه در شمال شرقی سوریه، حدود ۱۰۰ هزار نفر خانه‌های خود را در این منطقه ترک کرده‌اند و شمار رو به افزایشی به پناهگاه‌ها و مدارس پناه برده‌اند. سازمان ملل در این بیانیه گفته است: «تأثیرات انسانی از هم‌اکنون مشهود است. حدود ۱۰۰ هزار نفر در حال حاضر خانه‌های خود را ترک کرده‌اند. بیش‌تر آن‌ها در خانه‌های میزبان‌ها به‌سر می‌برند اما شمار فزاینده‌ای از آن‌ها در پناهگاه‌های جمعی در شهرهای الحسکه و تل تمر مستقر می‌شوند. بسیاری نیز به مدارس پناه می‌برند.» سازمان ملل هشدار داده که شمار آوارگان در روزهای آینده می‌تواند به سرعت افزایش یابد.



براساس گزارش‌ها در سراسر کوردستان ایران، مردم به خیابان آمده و حمله ارتش ترکیه به کوردستان سوریه را محکوم کرده و حمایت همه‌جانبه خود از مردم بی‌دفاع روزاوا را اعلام داشتند.



هجوم به کوردستان سوریه، یورش به آزادی و دموکراسی است،
 هجوم به رعایت موازین حقوق بشر است، هجوم به ملتی تحت
 ستم است که سالهاست برای حقوق روای خود مبارزه می کند.



و یا به سخن خلیل رودی کرد به ترجمه استاد سخن
 باختری: ننگ بر من باد! نفرین بر من باد! اگر از شما
 چیزی بخواهم تنها خواهشی که دارم اینست که به
 روسپیان سیاسی نیز قرص ضد حاملگی بدهید تا نسل
 بی شرفان افزونی نیابد

دلی دارم بسی غمگین و محزون / برای هموطن ها کنج زندون
 دلی دارم پر از درد و پر از خون / برای آن ندای خفته در خون
 دلی دارم پر از اندوه پراز کین / برای کودکان کار و مسکین
 دلی دارم پر از فریاد و غوغا / ز چنگ خون چکان شیخ و ملا
 فکنده زین زرین و سوارند / به دوش مردمی که نان ندارند
 چه هفت تپه چه اهواز و چه قوچان / چه کردستان و گیلان و خراسان
 ز تهران و لرستان و ز سمنان / همه اندر تلاش لقمه ای نان
 رفیقان ای رفیقان ای رفیقان / بجنبید و کنید آزاد ایران
 برانید و بگریید این فقیهان / وطن آزاد سازید
 زین و قیهان

تقدیم می شود به کارگران هفت
 تپه که برای احقاق حقوق خود به
 پا خاستند

کشتار سال شصت و هفت

بگفتا خدعه کردم من به ظاهر
 رئیسی قاضی القضاات ملعون
 دو دستش تا به آرنج غرقه در خون
 کنون ملت اسیر چنگ گرگ است
 که در تاریخ چنین گرگی ندیده است
 اگر خواهید رها گردید ز چنگش
 بجنبید و شوید یکسو به چنگش
 چو خرم دین و آرش همچو کاوه
 کنید این گرگ وحشی پاره پاره
 بکوبید بر سرش با مشت قانون
 رها سازید وطن از شر طاعون

دکتر علی گوشه

بسال شصت و هفت کشتند و کشتند
 گهی تک تک گهی رج رج بکشتند
 جوانان را به چوب دار بستند
 به رگبار مسلسل ها به بستند
 چه پا ها و چه سر ها که شکستند
 هزاران مادران در غم نشستند
 زمین خاوران گلگون ز خون شد
 هزاران لاله ها از خاک برون شد
 به جای هر جوانی که بکشتند
 دو صد لاله ز خاکش بر شکفتند
 خمینی آن دروغ پرداز ماهر

جای معلم در زندان نیست

برزن جار می‌زند اما معلم آزاده را چه باک که آموختن درس آزادگی و رسم ایستادن در برابر ظالم ولو در کنج دخمه‌های زندان آیین اوست.

درس ایستادگی و بهای سنگین

واقعیت این است که بی‌توجهی رذیلانه کارگزاران چپاولگر رژیم نسبت به خواسته‌های معلمان زحمتکش راهی جز اعتراض و تظاهرات برای آنان باقی نگذاشته‌است. افزایش بی‌سابقه هزینه زندگی چنان عرصه را بر ایشان تنگ کرده که با حقوقی معادل یک‌سوم خط فقر قادر به تهیه کمترین نیازهای زندگی خود نیستند و مجبورند همزمان به شغل‌های دوم و سوم اشتغال ورزند.

نزد مردم دارای احترام خاصی بوده، به‌عکس تحت حاکمیت ارتجاعی آخوندی، منزلت چندانی ندارد و جز زندان، تحقیر و محرومیت بهره‌ای نبرده‌است. با این وجود، معلمان مبارز به‌رغم همه فشارها هیچگاه در برابر ظالمان سرخم نکرده و به گواه تاریخ پیوسته همراه با سایر اقشار صدای حق‌طلبی خود را بگوش رسانده‌اند.

ترازوی به بند کشیدن و شلاق‌زدن بر پیکر معلم به‌واقع قصه پرغصه دردآوری‌است که بر وجدان ملی ما سنگینی کرده و هر خاطری را می‌آزارد. در هیچ کجای جهان غیر از این حکومت قرون‌وسطایی نمی‌توان چنین نمونه‌ای از ستمکاری یافت. در حالی که سال تحصیلی جدید چند روزی بیش نیست که آغاز شده، شمار قابل توجهی از معلمان هم‌چنان در حصار میله‌های زندان محبوسند. گرچه فریادهای «جای معلم زندان نیست» این بیداد را در هر کوی و هر

بی‌توجهی رذیلانه کارگزاران چپاولگر رژیم نسبت به خواسته‌های معلمان زحمتکش راهی جز اعتراض و تظاهرات برای آنان باقی نگذاشته‌است. افزایش بی‌سابقه هزینه زندگی چنان عرصه را بر ایشان تنگ کرده که با حقوقی معادل یک‌سوم خط فقر قادر به تهیه کمترین نیازهای زندگی خود نیستند و مجبورند همزمان به شغل‌های دوم و سوم اشتغال ورزند.

معلمان بسیاری که در اثر اعتراض به وضعیت غیرانسانی و عدم پرداخت حقوق معوقه و... زندانی شده‌اند بر تسلیم ناپذیری آنها در مقابل آخوندهای ستمگر دلالت می‌کند.

معلمان در پشت میله‌های زندان

حرفه آموزگاری که یکی از شریف‌ترین حرفه‌ها در جهان به‌شمار می‌رود، در میان ما ایرانیان نیز از دیرباز جایگاهی رفیع داشته‌است. معلم که همواره در

معلمان؛

فعالین صنفی فرهنگی همچنان در زندان اند بازداشت آنها را متوقف کنید



امید شاه محمدی و محمدرضا رمضان زاده
دربی فراخوان اعتصاب صنفی بازداشت و در زندان هستند

اسماعیل عبدی
آبان ۹۵ بازداشت و به زندان اوین منتقل شد

محمود بهشتی
شهریور ۹۶ بازداشت و به زندان اوین منتقل شد

محمد حبیبی
اردیبهشت ۹۷ بازداشت و به زندان فشافویه سپس به زندان اوین منتقل شد

به امید آزادی آنها

معلمان بسیاری که در اثر اعتراض به وضعیت غیرانسانی و عدم پرداخت حقوق معوقه و... زندانی شده‌اند بر تسلیم‌ناپذیری آنها در مقابل آخوندهای ستمگر دلالت می‌کند:

محمد حبیبی، عضو هیأت مدیره کانون صنفی معلمان استان تهران، که به جرم آخوندساخته «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام» و «اخلال در نظم عمومی» به ۱۰ سال و شش ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق و ممنوعیت خروج از کشور به‌عنوان مجازات تکمیلی محکوم شد، هم‌چنان در زندان به‌سر می‌برد.

محمود بهشتی لنگرودی، سخنگوی کانون صنفی معلمان سخنگوی کانون صنفی معلمان، از روز ۱۶ شهریور ۹۵ در حال تحمل حبس در زندان اوین است. وی به دلیل فعالیت‌های صنفی خود در سال‌های اخیر بارها سابقه احضار، بازجویی، بازداشت و حبس در پرونده خود دارد و هم‌اکنون نیز در حال تحمل

دوران محکومیت ۵ ساله خود در زندان اوین است.

اسماعیل عبدی، دبیر کانون صنفی معلمان ایران (تهران) صبح روز ۱۹ آبان ۹۵ توسط نیروهای امنیتی بازداشت و جهت گذراندن دوران محکومیت خود به بند ۸ زندان اوین منتقل شد.

یک معلم مدارس استثنایی در بوشهر؛ در تاریخ ۷ اسفند ۹۵ در بیدادگاه رژیم بدون دسترسی به وکیل به سه سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده است.

و... لیستی مطول در برگزیده نام‌های دیگر...

معلمان، راهنمایان خیزش دانش‌آموزان

رژیم غرق در بحران آخوندی که در نتیجه تحریم‌های بین‌المللی توان پاسخگویی به مشکلات اجتماعی را از دست داده لاجرم پاسخی برای خواسته‌های معلمان ندارد. لذا در

هراس از شکل‌گیری قیام‌های اجتماعی بر دامنه سرکوب و اختناق می‌افزاید. این روند از قضا رادیکالیسم بیشتری در جنبش‌های اجتماعی و پیوند تنگاتنگ روزافزون با مقاومت سازمان‌یافته را به دنبال خواهد داشت. شواهد و فاکت‌های روزانه مؤید همین حقیقت است.

معلمان الگوها و راهنمایان دانش‌آموزان هستند. جنبش دانش‌آموزان ایران در براندازی نظام سلطنتی نقشی تعیین‌کننده داشت. این نقش را می‌تواند و باید در براندازی نظام ولایت‌فقیه نیز ایفا کند. حاکمیت آخوندی با زندانی کردن معلمان، خود با دست خود بذره‌ای اعتراض را در مدرسه‌های ایران می‌کارد؛ بذرهایی که وقتی به ساقه تبدیل شوند، توفان بنیان‌کن قیام را رقم خواهند زد.

پیام هاشم خواستار از درون زندان به مردم ایران:

زندان اسلحه من است و بذر آزادی می‌کاریم

ملت قهرمان ایران روزیکه گالیله از محکمه بیرون آمدیکی از شاگردانش گفت بدبخت ملتی که قهرمان ندارند. ولی گالیله گفت بدبخت ملتی که به دنبال قهرمان می‌گردند من امیدوارم شما هریک به تنهایی یک قهرمان باشید ملت قهرمان ایران انسانها گاهی با توپ و تفنگ برای محقق شدن آزادی بر علیه ظلم و ظالم می‌جنگند، گاهی با قلمی گاهی با قدمی، اما من اکنون زندان را اسلحه خود قرار داده‌ام، ما زندان م

مصاحبه هاشم را قبول دارم. از دهم اردیبهشت ۹۷ که اطلاعات موبایل و لب تاپ و تبلت مرا برده و تلفن خانه ام را قطع کرده اند و شماره موبایل های اعضای خانواده ام را مسدود کرده اند. من هیچ کانال و گروه و فیس بوک و... ندارم. اگر کسانی از طرف من یا بنام من کانال یا گروه یا... زده اند مسئولیت با خودشان است

ملت قهرمان ایران من در این مدت از عقایدم برنگشته ام و همچنان بر مواضع به حق تاکید دارم (حتی اگر سالها در زندان باشم)



۲۲ شهریور ۱۳۹۸،

ملت قهرمان ایران من سر مواضع به حق هستم تمام نوشته ها مقاله ها و

نتیجه سهمیه بندی های حکومتی - نورچشمی های سفارشی سهم شیر را در دانشگاهها می برند

حکومتی این وضع آشفته جرات نمی کنند بگویند که سهم شیر را از سهمیه ها بسیج و حراست ها و نورچشمی های سفارش شده می برند. تا حدی که بیش از 60 درصد دانشجویان رشته های علوم پزشکی بر اساس سهمیه وارد دانشگاهها می شوند و سهمیه آزاد در رشته های پزشکی در کشور به زیر 40 درصد رسیده است. این وضعیت در سه رشته پر متقاضی دندانپزشکی، داورسازی و پزشکی وجود دارد. همه نگران سقوط کیفیت آموزش دانشگاهی اند.

و با دور زدن قانون و طی کردن دوره کوتاهی از تحصیل برای ادامه دادن تحصیلشان به داخل کشور منتقل می شوند. برخی از این افراد فرزندان اعضای هیأت علمی دانشگاهها هستند. افزایش ظرفیت دانشگاههای علوم پزشکی کمکی به رفع این معضل نمی کند زیرا فرزندان بیشتری از اعضای هیأت علمی جذب خواهند شد. نه این نماینده مجلس و دیگر منتقدان

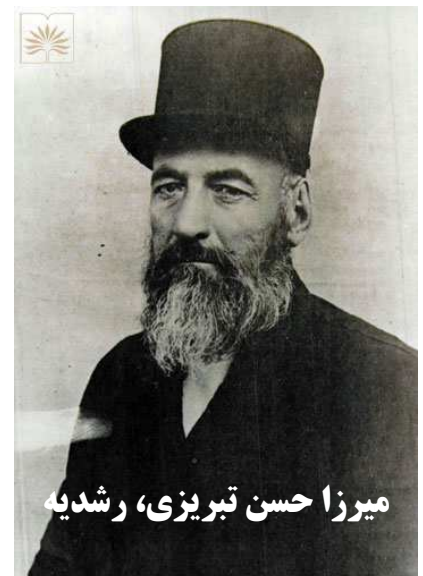
صندلی های رشته های پر متقاضی گروه علوم پزشکی در دانشگاه های کشور بین دانشجویان سهمیه ای تقسیم شده است. این تصرف رانتی امسال بیش از سالهای گذشته بود و به همین دلیل فغان دانشجویان و برخی مقامات نیز بر آمده است. واقعیت اینست که طی سالهای گذشته اعتبار فارغ التحصيلات پزشکی ایران حداقل در خارج از کشور بشدت کاهش یافته است و این درحالی است که پزشکان ایرانی شاغل در کشورهای اروپائی و امریکا بدلیل دانش به روز و دقت معاینه زبانزده بوده اند. بشیر خالقی، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس با انتقاد از قانون سهمیه اعضای هیأت علمی گفته است: بر اساس اطلاعات رسیده در سال گذشته حدود 70 درصد از دانشجویان دندانپزشکی با سهمیه در دانشگاهها پذیرفته شده اند. حتی افرادی برای ادامه تحصیل به دانشگاههای نامعتبر برخی از کشورهای خارجی مراجعه می کنند



سابقه تاریخی مرتجعین مذهبی در ستیز با هر پدیده نوین در ایران

جلوی معلمان و دختر هایی را که می خواستند به مدرسه بروند می گرفتند و آنها را بی عفت می خواندند و به صورت دختر های بی گناه تف می انداختند. - "مدارس جدید در دوره قاجاریه" تهران - 1377 - مرکز نشر دانشگاهی (ص ۲۲۸)

-روزنامه قدس به مناسبت اول مهر و بازگشایی مدارس در صفحه ۱۲ خود نوشت: اولین دبستان ایرانی چگونه ساخته شد؟ ... میرزا حسن تبریزی، رشديه نیز نخستین مدرسه اش را در تبریز تاسیس کرد و نامش را "رشديه" گذاشت. اما توسط مکتب داران که بازار آنها حسابی کساد شده بود، با خاک یکسان شد. دومین مدرسه رشديه را نیز با دینامیت منفجر کردند. میرزا حسن 6 مدرسه در تبریز ساخت که تمام آنها تخریب شد. بعد از آن رشديه در تهران نیز با جدیت به تاسیس مدارس پرداخت. (مخالفان با مدارس دخترانه نیز به مخالفت برخاستند و بانیان آن را بی دین و بابی خواندند. بعضی از مخالفان



میرزا حسن تبریزی، رشديه

باغ آلبالو و لوپا خین های وطنی

عباس مودب
منبع رادیو زمانه

باغ
آلبالوی
چخوف
روایت

سرنوشت یک باغ زیبای اربابی است که نابود می شود. نمایش

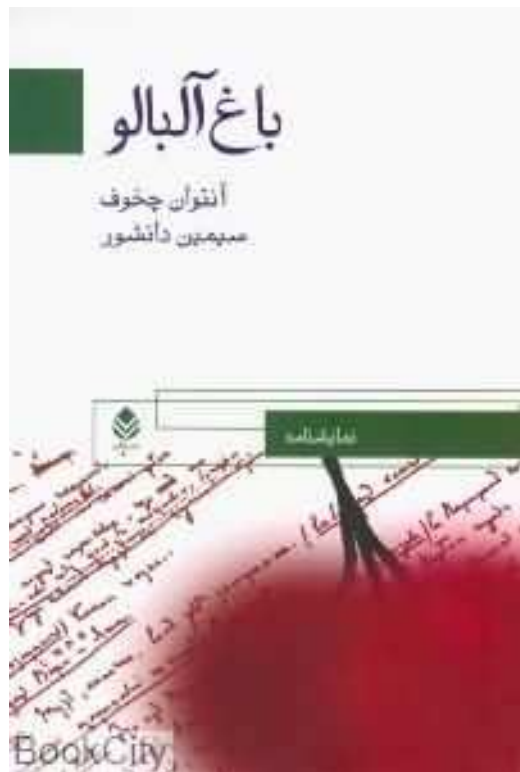
در دوران اضمحلال نظام فئودالی و شکل گیری سرمایه داری و نظام بانکی جدید رخ می دهد. دنیای قدیم و روابط فئودالی رو به اضمحلال اند، روابط پولی و بانک ها قدرتمند شده اند، روسیه لنگان لنگان به سوی صنعتی شدن پیش می رود و لیو بو رانوسکایا مالک باغ آلبالو زنی است که این باغ را از پدرش به ارث برده و پیش از آن نیز این باغ متعلق به پدر بزرگش بوده است. او در زیر فشار اقتصادی ورشکست شده است. باغ آلبالو به زودی به حراج گذاشته خواهد شد و صاحب آن هیچ راه حلی برای نجات آن ندارد.

یکی از شخصیت های اصلی این نمایشنامه "یرمولای لوپا خین" است. رعیت زاده ای که سه نسل رعیت اربابان این باغ بوده اند ولی او دیگر رعیت نیست، روابط جدید به او این امکان را داده است که پولدار شود، پولدار شدن تنها هدف و تمامی زندگی او شده است. به زبانی دیگر او یک نوکیسه است:

"البته پدرم یک موژیک بود، ولی حالا من جلیقه ای سفید و چکمه های قهوه ای پوشیده ام و یک کیسه پول ابریشمی دارم که لابد میگوئی از گوش خوک فراهم شده. من پولدارم" (ص ۱۰)

نوکیسه ها موجودات عجیبی هستند، آنها در برهه های خاصی از تاریخ از غارهای حقارت خویش بیرون می جهند و با اشتباهی سیری ناپذیر به مال اندوزی می پردازند. آنها می خواهند همه چیز را به پول تبدیل کنند تا با آن پول بتوانند لباس گران قیمت بخرند، صاحب عمارت های بزرگ شوند و با خرید اشیاء برای خود هویتی متفاوت از آنچه جامعه آنها را با آن می شناسد خریداری کنند. برای لوپا خین مهم نیست که درخت های آلبالوی این باغ ارزشی و رای پول دارند و این باغ زیبایی خاص خود را دارد و زیبایی باید حفظ شود. او وقتی به باغ نگاه می کند درخت های نادر آلبالو را نمی بیند،

بلکه زمینی را می بیند که در نزدیکی ایستگاه قطار است و می توان آن را تقسیم کرد و با ساختن آونک های کوچک و اجاره آنها پولدار شد: "نقشه من این است خواهش می کنم گوش کنید. ملک شما از شهر فقط پانزده مایل فاصله دارد، راه آهن از کنارش می گذرد و اگر موافقت کنید که درخت های آلبالو را قطع کنیم و زمین حاشیه رودخانه را به استراحتگاه های تابستانی تبدیل



کنیم و اجاره بدهیم، دست کم سالیانه بیست و پنج هزار روبل از آن در آمد خواهید داشت". برای او قفسه کتابی که صد سال قدمت دارد هیچ مفهومی ندارد و کتاب اصولاً چیز بی خودی است: "من اینجا سرگرم خواندن این کتاب بودم و حتی یک کلمه اش را نفهمیدم. خوابم برد" (ص ۱۰). برای کسی که با کتاب خواندن خوایش می برد دیگر قفسه کتاب ها هر چند صد ساله باشد و کار استادی ماهر، تنها چند تکه تخته پاره است نه بیشتر. در ذهن او اصلاً نمی گنجد که می توان این باغ را به یک موزه تبدیل کرد تا نسل های آینده وقتی دوران فئودالی را مطالعه می کنند به این باغ بیایند تا تصویری

عینی از گذشته به دست آورند، گذشته برای او یادآور حقارت است، یادآور روزگاری است که حسرت احترام از جانب دیگران را داشته و اینک می خواهد با پولدار شدن برای خود کسب احترام کند. نوکیسه ها هر چند از لایه های محروم جامعه می آیند اما فاقد حس همبستگی با محرومان و انسان هایی هستند که در شرایط ناعادلانه اجتماعی از آزادی و تأمین اجتماعی محروم شده اند. نوکیسه تنها به جیب خود فکر می کند و می خواهد با به چنگ آوردن پول و ثروت جایگاه اجتماعی خود را در هرم طبقاتی تغییر دهد تا مورد احترام واقع شود. او می خواهد که او را آقا خطاب کنند ولی آقا بودن چنانکه او درک می کند چیزی نیست که انسان بتواند آن را بخرد. او احتیاجی بیمارگونه برای به رخ کشیدن پولدار بودنش دارد، برای او مهم است که دیگران بدانند او دیگر آن بچه ژنده پوشی نیست که دیگران با دیده تحرم به او می نگرستند، پس داشتن پالتوی پوست و کفش های چرمی قهوه ای برایش مهم است تا دیگران با دیده حسرت به او نگاه کنند. هر چند تلاش می کند تا مورد احترام قرار بگیرد ولی می داند که شایستگی احترام را ندارد. مطمئن است که دیگران در دل به او می خندند. او فاقد اعتماد به نفس است و همین فقدان اعتماد نفس رنجش می دهد و در بسیاری موارد ماهیت او را افشاء می کند. هر چند گران ترین لباس ها را می خرد ولی در انتخاب رنگ و تناسب لباس ها بی سلیقه گی اش را می توان دید. او چیزهائی را می خرد که لازم ندارد ولی فکر می کند برای کسب احترام لازم است. برای مثال با اینکه هیچ تجربه ای در دریانوردی ندارد و اصولاً هر موقع سوار کشتی می شود دریازده می شود با این حال کشتی تفریحی می خرد.

نوکیس‌ه پایبند هیچ اصولی نیست، اگر مذهبی بودن راه را برای پولدار شدن باز کند او در صف اول نمازگزاران می‌ایستد و اگر ناسیونالیست بودن این راه را باز می‌کند او بزرگ‌ترین پرچم را در جلوی خانه خود نصب می‌کند بی آنکه تاریخ کشورش را بشناسد. هر چند به اصول شریعت پایبند نیست ولی می‌تواند مبلغ قابل توجهی در راه مذهب اتفاق کند به شرط آنکه همگان بدانند او این کار را کرده است. البته از آنجا که از آینده مطمئن نیست امیدوار است با کمک مالی به صندوق خیریه و صدقه خدا او را از گزند بدخواهان حفظ کند. او مجیزگوی قدرت است و اهل زد و بند با ماموران دولتی، او به خوبی می‌داند که با پول می‌توان همه را خرید. او خیلی خوب می‌داند که چگونه با خرید روسای دولتی قانون را زیر پا بگذارد تا پولدارتر شود، کسب پول برای او یک جنون است، جنونی شهوانی که هیچ‌وقت ارضاء نمی‌شود، همیشه فکر می‌کند که هنوز به اندازه کافی پولدار نشده است. برای او مسائلی چون حفظ محیط زیست، میراث فرهنگی و

رعایت حق دیگران مفاهیمی بیگانه و دست و پا گیر هستند. هر چیز که مانع پولدار شدنش بشود امری است مزاحم که باید از میان برداشته شود. در دوران جنگ جهانی اول در دانمارک کسانی بودند که با استفاده از مواد اولیه نامرغوب مثل پس مانده‌های کشتارگاه غذای کنسرو برای جبهه تولید می‌کردند و با فروش آنها به ارتش به ثروت زیادی دست یافتند. در زبان دانمارکی به آنها لقب "سلطان خورش" (۱) داده‌اند لقبی تحقیرآمیز که به آدم‌های نو کیسه می‌دهند. حالا با نگاهی به سلطان‌های مختلفی که به ویژه در دو دهه گذشته مثل قارچ در ایران رشد کرده‌اند متوجه شرايطی می‌شویم که زمینه را برای پدیده‌ای به نام "سلطان" این یا آن چیز فراهم کرده است. زمینه‌ای فراهم شده است تا نو کیسه‌گان وطنی رقم‌های میلیاردی به جیب بزنند. ویلاهای تاق و جفت خود را به رخ دیگران بکشند، گران‌ترین مدل ماشین‌های خارجی را سوار شوند و در مراسم عاشورا در صف اول هیات با پیرهن مشکی ابریشمی سینه بزنند. نو کیسه‌گان از گذشته بیزارند چرا که گذشته

برای آنها هم‌معنا با تحقیر و محرومیت است، آینده برای‌شان مهم نیست چون نمی‌دانند چه خواهد شد، تنها امروز و همین لحظه مهم است چون تنها در همین لحظه است که می‌توانند پول به دست بیاورند. برای آنها آینده جامعه و دیگر انسان‌ها هیچ اهمیتی ندارد، اگر دیگران محروم‌اند تقصیر خودشان است چون نمی‌خواهند پولدار شوند. اگر آنها نیز اراده او را داشتند و مثل او زرنگ بودند می‌توانستند پولدار شوند. دیگران برای او تنها زمانی ارزش دارند که او بتواند از آنها برای رسیدن به امیال خود استفاده کند. او به راحتی می‌تواند پا بر سر دیگران بگذارد تا به پول دست بیابد. نوکیسه اشتباهی سیری‌ناپذیر در به دست آوردن پول دارد و خیلی راحت می‌تواند با تبر به جان جنگل بیفتد و آن را به بیابان تبدیل کند. نوکیسه هیولایی است ویرانگر، او نه تنها درختان آلبالوی باغ را، که حاضر است تمام درختان جهان را قطع کند اگر بتواند از آن پولی به دست بیاورد.

دوچه وله العربی: برای اولین بار در سودان، یک زن به عنوان رئیس قوه قضاییه منصوب شد

اسما محمد عبدالله نخستین وزیر امور خارجه زن در این کشور منصوب شده بود.

روز پنجشنبه، شورای مستقل نیز وضعیت اضطراری سراسر کشور را که در ۲۲ فوریه توسط بشیر تحمیل شده بود، سه ماه تمدید کرد.

لازم به ذکر است، سال گذشته اعتراضاتی علیه حکومت بشیر در سودان آغاز شد و زنان سودانی در صدر قیامی بودند که منجر به برکناری عمر البشیر خودکامه در ماه آوریل در این کشور شد.



در سودان یک زن برای اولین بار به عنوان رئیس قوه قضاییه این کشور منصوب شد. نعمت عبدالله خیر قاضی کهنه کار دادگاه عالی این کشور توسط شورای حاکمیت ۱۱ نفره برای این سمت انتخاب شد. شورای مستقل این کشور همچنین تاج السیرعلی را به عنوان دادستان کل جدید این کشور منصوب کرد.

بنابراین گزارش، به نظر می‌رسد که این انتصابات مقامات با تلاش دولت انتقالی برای دستیابی به تعادل جنسیتی مطابقت دارد. گفتنی است، پیش از این هم

خبر دروغ خبرگزاری فارس مبنی بر شفا گرفتن جوان مسیحی و مسلمان شدن ۲۳ ارمنی در تهران

نامه ارسالی از جانب شورای خلیفه گری ارامنه تهران به خبرگزاری فارس



مدیر مسئول محترم سرویس های خبری فارس نیوز

با سلام

به استحضار می رساند خبر منتشره در روز جمعه مورخ ۱۵/۶/۱۳۹۸ به شماره ۱۳۹۸۰۶۱۴۰۰۰۱۹۸ مبنی بر شفای جوان ارمنی و به اسلام گرویدن بیست و سه نفر در ایام محرم در یکی از محله های ارمنی نشین تهران باعث برانگیخته شدن احساسات جامعه مسیحی ارمنی گردید و موجی از اعتراضات را در این خصوص بوجود آورد تا جایی که اسقف اعظم سیوه سرکیسیان خلیفه ارامنه تهران نیز بیانیه ای را در محکوم کردن انتشار این چنین اخباری که موجب سوء استفاده ابزاری رسانه ای و در برخی موارد حتی موجب تضعیف وجهه و امنیت ملی ایران را در پی دارد گردید.

شورای خلیفه گری ارامنه پس از انتشار این خبر در راستای کشف صحت و سقم ماجرا برآمد که بر اساس تحقیقات به عمل آمده خبر منتشره کذب می باشد و انتظار می رفت خبرگزاری محترم فارس با رعایت رسالت خبررسانی خود ابتدا در صدد این اصل می بود که اخبار موثق را در اختیار مخاطب قرار دهد نه این که بدون کشف حقیقت تنها اکتفا به انتشار اخباری نماید که نتیجه آن آزردهی عده کثیری از جامعه ی پویا و فعال جامعه ایران که همواره در راستای اهداف نظام جمهوری اسلامی همراه و پشتیبان برادران و خواهران هموطن خود بوده اند را گردد.

نسخه اصلی

خبرگزاری فارس

شفا گرفتن جوان مسیحی و مسلمان شدن 23 ارمنی

«آن روز بین الحرمین غوغایی به پا بود. رابرت، پدر و مادرش و 20 جوان ارمنی شهادتین را خواندند و مسلمان شدند. رابرت شد: «ابوالفضل»، آبراهام «علی» و وارثوش: «فاطمه»



مجله فارس پلاس؛ عطیه اکبری: این روزها کربلای معلی میزبان زائران حسینی است نه فقط شیعیان که سنی و زرتشتی و یهودی، دل‌باخته محبت اهل بیت هستند و هر سال این ارادت، افسار دل را به دست می‌گیرد و می‌کشد هر جا که خاطرخواه اوست.

در میان همه زائران، مویه‌های هر زائری در بین الحرمین روایتی است از یک ارادت، اما روایت دلدادگی «ابوالفضل» امروز و «رابرت» دیروز و پدر و مادرش که حالا نه «آبراهام» و «وارثوش» که «فاطمه» و «علی» صدایشان می‌زنند شنیدنی‌تر است. معجزه علمدار کربلا خریدار دل 20 جوان ارمنی هم شد و همه دوستان رابرت در بین الحرمین شهادتین را خواندند و مسلمان شدند. امروز پرچم سیاه عزای حسین بن علی (ع) زینت دیوارهای خانه این خانواده در محله ارامنه است. انگار که شیعه زاده شده‌اند و مهر خاندان نبوی ریشه در باورهای آباء و اجدادی‌شان دارد.

انحراف و افتخار

نوشته ی جورج مونپيو، ترجمه ی محمود حایری

احساس می کنید کنار گذاشته شده اید؟ شاید به این دلیل است که به رقابت، حسادت و هراسی که نولیبرالیسم تخم آن را افشاند است تن نداده اید.



رسیدن به آرامش در یک دنیای آشفته هدفی منطقی نیست (چون) فقط با انکار آنچه که در اطرافتان می گذرد می توان به آن رسید. به عکس، رسیدن به آرامش درونی در یک دنیای پرمسئله آرمانی قابل احترام است. این مقاله خطاب به کسانی نوشته شده که احساس می کنند با زندگی نمی توانند کنار آیند واز آنها می خواهید از خود شرمند نباشند. انگیزه ی من در نوشتن این مقاله کتاب جالبی از پل ورها،^(۱) استاد بلژیکی در زمینه روان کاوی است که اخیراً به زبان انگلیسی منتشر شد. «پس من چی؟ تلاش برای هویت در جامعه ی مبتنی بر بازار» از آن گونه کتاب هایی است که با مرتبط ساختن پدیده های به ظاهر متمایز، ناگهان درک تازه ای از آنچه که بر ما می گذرد و علت آن به ما می دهد.

ورها استدلال می کند که ما حیوانات اجتماعی هستیم و هویت ما را هنجارها و ارزش هایی که از سایر مردم می گیریم شکل می دهد. هر جامعه ای هنجارهای خود - و همین طور نابه هنجاری های خود - را براساس روایات غالب تعریف می کند و

شکل می دهد و به دنبال آنست که مردم خود را با آنها تطبیق دهند وگرنه کنار گذاشته می شوند.

امروزه روایت غالب مربوط به بنیادگرایی بازار است که در اروپا عمدتاً آن را به نام نولیبرالیسم می شناسند. داستانی که تعریف می کند اینست که بازار می تواند کلیه ی مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را حل کند. وضع ما با کاهش کنترل و اخذ مالیات توسط دولت بهتر خواهد شد. خدمات عمومی باید به بخش خصوصی

واگذار شود، هزینه های عمومی باید کاهش یابد و تجارت باید ازبند کنترل اجتماعی رها شود. در

کشورهایی مانند آمریکا و انگلستان این داستان هنجارها و ارزش های ما را برای قریب ۲۵ سال، از زمان روی کار آمدن تاچر و ریگان، شکل داده و به سرعت در سایر نقاط دنیا اشاعه یافته است.

ورها اشاره می کند که نولیبرالیسم ازدو ایده (متعلق به) یونان باستان که می گوید معیارهای اخلاقی ما فطری است (و توسط وضع طبیعی^(۲) که آن را بازار می نامد تعیین می شود) و دیدگاه مسیحیت که می گوید نوع بشر ذاتاً خودخواه و مال اندوز است استفاده می کند. نولیبرالیسم به جای ممانعت و سرکوب این خصلت ها به ستایش آنها می پردازد، و مدعی ست که رقابت آزاد با انگیزه ی منافع شخصی به نوآوری و رشد اقتصادی منجر می گردد که باعث افزایش رفاه برای همه می شود.

موضوع اصلی این داستان مسئله ی شایستگی است. رقابت آزاد به افراد مستعد، سخت کوش و مبتکر پاداش می دهد. سلسله مراتب را از بین می برد و دنیایی سرشار از فرصت و تحرک ایجاد می کند. اما واقیت چیز دیگری است. حتی در آغاز راه، زمانی

که محدودیت های بازار حذف می شود، ما با فرصت های یکسان شروع نمی کنیم. پیش از شلیک گلوله ی آغاز مسابقه برخی نزدیک خط پایان هستند. با این شیوه اولیگارشی های روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به ثروت هنگفتی دست یافتند. درمجموع آنها با استعدادترین، سخت کوش ترین و مبتکرترین افراد جامعه نبودند بلکه (گروهی) بدون کمترین پای بندی اخلاقی، با دراختیار داشتن عده ی زیادی مزدور و اوباش و اکثراً با ارتباطات بسیار حسنه درکا گ ب بودند.

حتی اگر نتایج، مبتنی بر استعداد و سخت کوشی باشد دوامی نخواهد داشت. همین که اولین نسل کارآفرینان آزاد شده پول خود را بسازد، شایسته سالاری اولیه جای خود را به نخبگان جدیدی خواهد داد که با ثروت موروثی و بهترین امکانات تحصیلی که با پول می توان به دست آورد، فرزندان خود را از فضای رقابت جدا می سازند. هرچاکه بنیاد گرایی بازار شدیدتر اعمال شده - درکشورهایی مانند آمریکا و انگلستان - تحرک اجتماعی بسیار کاهش یافته است.

اگر نولیبرالیسم چیزی جز یک فریب کاری در خدمت منافع خود بود که رهبران و اندیشکده های آن را از ابتدا برخی از ثروتمندترین افراد روی زمین تأمین مالی کردند (سرمایه داران متنفع امریکایی نظیر کورز، اولین، اسکایف، پیو و امثالهم)،^(۳) سردمداران آن به عنوان پیش شرط جامعه ای مبتنی بر شایسته سالاری خواستار آن می شدند که هیچ کس حق ندارد زندگی را با مزیت غیر عادلانه ی ثروت موروثی یا تحصیل با استفاده قدرت مالی آغاز کند. اما آنها هیچ گاه به دکترین خود اعتقاد نداشتند لذا تلاش و پویندگی جای خود را به رانت داد.

این ها همه نادیده گرفته می شود و موفقیت یا شکست در اقتصاد بازار فقط به تلاش فرد نسبت داده می شود.

ثروتمندان صالحان جدید و فقرا، که هم از نظر اقتصادی و هم اخلاقی ناموفق بوده‌اند، خلافاً کاران جدید تلقی می‌گردند که حالا به‌عنوان انگل‌های اجتماعی طبقه‌بندی می‌شوند.

بازار که قرار بود که ما را از قید سلطه رها سازد و به ما آزادی و استقلال بدهد، به ما انزوا و تنهایی تحویل داده است. محیط کار به شدت تحت تأثیر زیرساخت‌های دیوانه‌کننده و کافکایی ارزیابی‌ها، نظارت، سنجش، بازبینی و ممیزی‌ها با هدایت مرکزی و برنامه‌ریزی بدون انعطاف قرار گرفته است که هدف آن دادن پاداش به برنده‌ها و تنبیه بازنده‌هاست. این (مکانیزم) استقلال، اشتیاق، ابتکار و وفاداری را از بین برده و بذر ناامیدی، حسادت، و ترس را می‌کارد. تناقض بسیار جالبی که سنت قدیمی و بزرگ شوروی را که در زبان روسی به آن

طرز تلقی هستند لذا ما حتی قدرت سیاسی هم نداریم. به جایی رسیده‌ایم که یک بوروکراسی فرساینده و بی‌چهره، تحت نام استقلال و آزادی، ما را کنترل می‌کند. ورها می‌نویسد، این تغییرات با افزایش چشم‌گیر در پاره‌ای موارد روان‌پزشکی نظیر خودآزاری، اختلال در تغذیه، افسردگی و اختلالات شخصیتی همراه شده است. در میان اختلالات شخصیتی، افسردگی و فوبیای اجتماعی رایج‌ترین آن‌هاست که هر دو در ترس از دیگران ریشه دارد که آن‌ها را هم به‌عنوان رقبا و هم کسانی که ما را ارزیابی می‌کنند می‌شناسیم؛ یعنی بنیادگرایی بازار برای جامعه قائل است. افسردگی و تنهایی همچون طاعون به جان ما افتاده است. مقررات اجباری و توأم با تحقیر محیط کار عزت نفس ما را از بین

خود بباید.

پیوند با منبع اصلی:

George Monbiot, Deviant and Proud

پی‌نوشت‌ها

۱ - Paul Verhaeghe, 2014. What About Me?: The struggle for identity in a market-based society. Scribe. Brunswick, Australia and London.

۲ - وضع طبیعی به فرانسوی (État de Nature) اصطلاحی است که ابتدا تامل‌ها بر در لوپاتان و بعدها جان لاک، ژان ژاک روسو و دیگران در فلسفه‌ی سیاسی و قرارداد اجتماعی مطرح کردند. این واژه به وضعیت فرضی انسانی، پیش از برقراری دولت اشاره دارد.

۳ - The American tycoons Coors, Olin, Scaife, Pew and others



tufta می‌گویند در خاطر زنده می‌کند. مفهوم آن تحریف آمار به منظور توجیه اوامر تحمیلی قدرت غیر پاسخ‌گو است.

همان قدرت‌ها گریبان کسانی را هم که نمی‌توانند کار پیدا کنند می‌گیرد. آن‌ها بایستی علاوه بر تحقیرهای ناشی از بیکاری، با سطح جدیدی از کنج‌کاو، فضولی و مراقبت دست‌وپنجه نرم کنند. ورها اشاره می‌کند که این موارد اساس الگوی نولیبرال است که همه جا بر مقایسه، ارزیابی و کمی‌سازی تأکید دارد. ما به اصطلاح خود را آزاد ولی ناتوان می‌بینیم. چه در محیط کار و یا حتی بدون کار بایستی ضوابط مشابهی را بپذیریم و یا از بین برویم. همه‌ی احزاب سیاسی عمده هم موافق این

۴ - «منیت» یا انتساب به خود معادل واژه‌ی Self-Attribution گزیده شده و به افرادی اطلاق می‌شود که هرگونه موفقیت را ناشی از توانمندی و ذکاوت و پشت‌کار خود می‌دانند اما شکست شرایط و شانس منتسب می‌کنند. منبع: نقد اقتصاد سیاسی

می‌برد. آن‌ها که نهایتاً در پایین‌ترین لایه (جامعه) قرار می‌گیرند گرفتار گناه و شرمندگی می‌شوند. مغلطه‌ی منیت^(۴) در هر دو مورد عمل می‌کند، یعنی همان‌طور که ما به خاطر موفقیت خود به خود می‌بالیم، خود را در شکست‌ها سرزنش می‌کنیم حتی اگر در هیچ‌یک از آن‌ها نقش عمده‌ای نداشته باشیم.

پس اگر (با زندگی) کنار نمی‌آیید، اگر با دنیا احساس بیگانگی و غربت دارید، اگر هویت شما مسئله‌دار و بی‌رہا شده است، اگر احساس باخت می‌کنید و شرم‌منده هستید، می‌تواند به این دلیل باشد که شما ارزش‌های انسانی را که قرار بوده از دست بدهید حفظ کرده‌اید. شما متفاوت از جامعه هستید. افتخار کنید و به

آینده را از ما نگیرید؛ خروش زیست محیطی جوانان

نیز با اعلام این که بیش از سه دهه بر امر حفاظت از محیط زیست تاکید داشته، از ایفای نقش جوانان برای نجات اقلیم ابراز خشنودی کرده است. چهره‌های فرهنگی و اجتماعی آلمان هم به صفوف معترضان

تظاهرکنندگان در شهر مونیخ ۲۵ هزار نفر بود و اسقف ایالت بایرن، هاینریش اشتروم نیز در راهپیمایی حضور داشت. کنشگران زیست محیطی مستقل نیز به خیابان‌ها آمدند. صدها دوجرخه

دوچرخه وله فارسی در تظاهرات سراسری جنبش "جمعه‌ها برای آینده"، تنها در شهرهای آلمان یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر به خیابان‌ها آمدند. برلین شاهد راهپیمایی ۲۷۰ هزار نفر بود.



© picture-alliance/AP Photo/S. Saphora

سیاست‌های اقلیمی پیوسته‌اند. دکتر اکهارت فون هیرش‌هاوزن، نویسنده و مجری برنامه‌های علمی می‌گوید: «بحران آب‌وهوا در حال حاضر بزرگترین تهدید علیه بشریت است.» به اعتقاد او، آلمان باید به عنوان یک کشور مرفه و پیشرفته صنعتی، پیش‌تاز سرمایه‌گذاری در امر حفاظت آب‌وهوا باشد و پیامدهای ناشی از مداخلات انسانی در محیط زیست را مدیریت کند.

سوار در برلین، تظاهرات "جمعه‌ها برای آینده" را با شعار "نافرمانی برای همه" همراهی کردند. این اکسیون باعث شد که رفت و آمد در مرکز شهر برلین برای یک ساعت متوقف شود. نزدیک ۷۰۰ نفر نیز به نمایندگی از گروه "کارآفرینان برای آینده"، با کراوات و کت و شلوار در برابر وزارت دارایی آلمان تجمع کردند. کاتارینا روبر، یکی از سخنگویان این گروه از دولت خواست پیش از هر چیز یارانه‌های مضر برای محیط زیست را لغو کند. خبرگزاری آلمان می‌نویسد، در کل کشور بیش از ۳۰۰۰ شرکت کوچک و متوسط با مجموعاً ۲۰۰ هزار پست کاری، در تظاهرات یاد شده شرکت داشتند. شورای کلیساهای پروتستان آلمان

کارزارهای نجات اقلیم در ۱۵۰ کشور دنیا جریان دارد. سازمان ملل نشستی ویژه برگزار می‌کند. "ما آینده را رقم می‌زنیم". این چشم‌انداز ذهنی خیل عظیم تظاهرکنندگانی بود که در اعتراض به تغییرات اقلیمی به خیابان‌ها ریختند. چشم‌اندازی مشترک نزد دانش آموزان، جوانان و حامیان محیط زیست در شهرهای بیش از ۱۵۰ کشور دنیا برای هشدار به دولت‌ها. روز جمعه ۲۰ سپتامبر، پایتخت آلمان میزبان ۲۷۰ هزار تظاهرکننده و شاهد بزرگترین اجتماع جنبش زیست محیطی "جمعه‌ها برای آینده" بود. هامبورگ شاهد ۱۰۰ هزار تظاهرکننده و کلن صحنه راهپیمایی دستکم ۷۰ هزار نفر بودند. به گزارش پلیس، تعداد

رهبان دولت‌های جهان بخواهد به تعهدات خود در قبال توافق پاریس پایبند باشند.

در این روز، سوئیا شولتزه وزیر محیط زیست آلمان، توافق اقلیمی میان احزاب ائتلافی را یک شروع جدید نامید و گفت: «از قلم انداختن اهداف اقلیمی نباید تکرار شوند. تدابیر تازه‌ای باید این امر را تضمین کنند.» خانم شولتزه تاکید کرد که برای نخستین مرتبه، اهداف آب‌وهوایی آلمان از نظر قانونی الزام‌آور شده‌اند و مقررات روشنی وجود دارد که اگر در جایی انحرافی از مسیر اقلیمی صورت گرفت، چگونه بتوان آن را جبران کرد.

در بسته پیشنهادی آمده که آلمان باید تا سال ۲۰۳۰ میزان گازهای گلخانه‌ای را ۵۵ درصد به نسبت سال ۱۹۹۰ کاهش دهد. تدابیری چون مالیات بر آلاینده‌های حوزه حمل و نقل و ساختمان، افزایش مرحله به مرحله بهای بنزین، افزایش مالیات بلیط هواپیما، کاهش مالیات ارزش افزوده بلیط قطار، تخفیف خرید خودروهای الکتریکی، بخشش ۴۰ درصد هزینه‌های جایگزینی سیستم گرمایشی قدیمی با مدل سازگار با اقلیم یا ممنوعیت نصب بخاری‌های نفتی از سال ۲۰۲۶ از موارد این بسته پیشنهادی هستند.



سپتامبر از استرالیا آغاز شد و در اروپا، آسیا و آفریقا ادامه یافت. از سیدنی تا بمبئی، از برلین تا نیویورک، انتظار می‌رود نقطه عطف تظاهرات این روز، سخنرانی گرتا تونبرگ باشد که هم اینک در آمریکا به سر می‌برد. تظاهرات سراسری برای هشدار به دولت‌ها در ۵۰۰۰ شهر و کشور دنیا برنامه‌ریزی شده بود و نخستین راه‌پیمایی از استرالیا شروع شد و در اروپا، آسیا و آفریقا ادامه یافت. قرار است دبیرکل سازمان ملل نیز روز دوشنبه ۲۳ سپتامبر نشست اضطراری در نیویورک برگزار کند و از

جنبشی هوشمندانه

جنبش "جمعه‌ها برای آینده" با چشم‌اندازها و اهداف سیاسی، حرکتی بس هوشمندانه از سوی جوانان توصیف می‌شود. این جنبش پس از آن پا گرفت که دانش آموزان روزهای جمعه به جای کلاس درس، به خیابان‌ها رفته و علیه سیاست‌های اقلیمی شعار دادند. مبتکر این جنبش، گرتا تونبرگ، دانش آموز ۱۶ ساله سوئدی است که ابتدا به صورت تک نفره جلوی پارلمان سوئد بست می‌نشست. تظاهرات سراسری ۲۰

در تماشا گه پاییز که می‌ریزد برگ

سیاوش کسرایی

در تماشاگاه پاییز

برگ ریزان همه خوبی هاست

می بریم از هم پیوند قدیم

می‌گریزیم از هم

سبک و سوخته برگی شده ایم

در کف باد هوا چرخنده

از کران تا به کران

سبزی و سرکشی سروری نیست

وز گل یخ حتی

اثری در بغل سنگی نیست

این همه بی برگی ؟

این همه عریانی ؟

چه کسی باور داشت

دل غافل اینک

تویی و یک بغل اندیشه که نشخوار کنی



عفو بین الملل: حکومت‌های سرکوبگر با استفاده از یک نرم افزار جاسوسی اسرائیلی فعالان حقوق بشر را هدف قرار داده‌اند

۱۹ مهر ۱۳۹۸

بیانیه عفو بین الملل گفته که در این باره تحقیق خواهد کرد.

«ان اس او» در بیانیه ای مجدداً تأکید کرده است که محصولات نرم افزار این شرکت با هدف «تحقیق در مورد جنایات و تروریسم» ساخته می شود و «ابزاری برای نظارت بر مخالفان و فعالان حقوق بشر» نیست.

پیش‌تر عفو بین الملل، اسرائیل را متهم به فروش نرم افزار جاسوسی به دولت های سرکوبگر برای جاسوسی از فعالان حقوق بشر کرده بود و وزارت دفاع اسرائیل را برای توقف صدور مجوز تولید اینگونه نرم افزارهای جاسوسی توسط شرکت «ان اس او» تحت فشار قرار داده بود.

این گروه در ماه مه گذشته یک شکایت نامه قانونی به دادگاه منطقه ای «تل آویو» برای توقف مجوز صدور این نرم افزار جاسوسی ارائه کرده است.

براساس اعلام این سازمان حقوق بشری، «پگاسوس» در سال ۲۱۸ برای هدف قرار دادن یکی از اعضای این سازمان و همچنین شخص دیگری که از حقوق بشر در عربستان سعودی دفاع می کرد، مورد استفاده قرار گرفته است.

«ان اس او» می گوید که این شرکت سازنده «پگاسوس» است و از نرم افزار استفاده نمی کند و فقط آن را به دولت ها می فروشد.

بیان را شدیداً محکوم کرده است.

«ان اس او»، یک شرکت اسرائیلی است که محل فعالیت هایش در سرزمین های اشغالی قرار دارد. این شرکت، یک نرم افزار جاسوسی به نام «پگاسوس» را به فروش می رساند. به گفته عفو بین الملل این نرم افزار به حکومت های

سازمان عفو بین الملل روز پنجشنبه ۱۰ سپتامبر با استناد به پرونده دو تن از فعالان این سازمان در مراکش، استفاده از نرم افزارهای جاسوسی و مخربی که توسط شرکت اسرائیلی «ان اس او» برای سرکوب مدافعان حقوق بشر ساخته شده را محکوم کرد.

«دانا اینگلتون»، معاون بخش تکنولوژی سازمان عفو بین الملل امروز در بیانیه ای اعلام کرد: «تحقیقات عفو بین الملل شواهد جدید و وحشتناکی را کشف کرده است که نشان می دهند بدافزار گروه اسرائیلی «ان اس او» به سرکوب مدافعان حقوق بشر به حکومت های سرکوبگر حقوق بشر کمک می کند».

این سازمان حقوق بشری مستقر در لندن به پرونده دو شخصیت مراکشی اشاره می کند که با استفاده از این بدافزار اسرائیلی در مراکش بازداشت شده اند. «ماتی مونجیب»، روشنفکر مراکشی و «عبدالسدک ال بوشاتاوی» وکیل حقوق بشر که از معترضین جنبش اعتراضی در هیرک دفاع می کرد، هم اکنون درگیر مراحل دادگاه در این کشور هستند.

این دو «از سال ۲۰۱۷ چندین بار با کمک این نرم افزار جاسوسی اسرائیلی توسط سرویس های امنیتی مراکش هدف قرار گرفتند».

عفو بین الملل از اینکه سرویس های امنیتی مراکش سرمنشاء این نظارت ها هستند و مدافعان حقوق بشر در کشور پادشاهی مراکش در معرض یک سرکوب «گسترده تر» قرار دارند، اظهار نگرانی کرده است.

«ماتی مونجیب» و «عبدالسدک ال بوشاتاوی» هر دو پیامکی دریافت کرده اند که حاوی پیوندهای مخرب بوده است و این پیامک به طور «مخفیانه» نرم افزار «پگاسوس» (Pegasus) را بر روی تلفن آنان نصب کرده است. این امر به فرستنده پیامک (سرویس های اطلاعاتی مراکش) اجازه داده کنترل تقریباً کامل گوشی آنان را در دست بگیرند.

عفو بین الملل نقض آشکار حقوق آنان در زمینه حفظ حریم خصوصی و آزادی



سرکوبگرا اجازه می دهد تا به اطلاعات خصوصی فعالان حقوق بشر و دیگر فعالان سیاسی در این کشور ها دست پیدا کرده و تلفن همراه آنان را تحت کنترل در بیاورند.

«دانا اینگلتون»، معاون بخش تکنولوژی عفو بین الملل می گوید که گروه اسرائیلی «ان اس او» به وظیفه اش که حمایت از مدافعان حقوق بشر است، عمل نمی کند و در همان حال، گزارش های فراوانی ارائه شده است که نشان می دهند برخی از حکومت ها نرم افزار «پگاسوس» را برای جاسوسی از مدافعان حقوق بشر به کار گرفته اند.

خبرگزاری فرانسه گزارش می دهد که گروه اسرائیلی «ان اس او» پس از

کوچه کلاریون و دیواره هفت زن زندانی

نام و چهره هفت زن ایرانی محبوس در زندان، بر دیوار کوچه ای باریک در شهر سانفرانسیسکو نقش بسته است. زنانی که هر یک به خاطر عقیده، مذهب، شغل یا فعالیت مدنی خود از حق آزادی محروم شده اند.

